

با تمام توان خود مساهبت
ارتجاعی جنگ را افشاء و با
سازماندهی مقاومت مسلحانه از
منافع زحمتکشان دفاع کنیم

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۸۹ پنجشنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۵۹ شماره ۱۶ صفحه - ۲۰ ریال

Iranische Bibliothek in Hannover

لیبرالها، پرچمداران دروغین آزادی

ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی (یعنی
حزبی که به نقض آشکار دمکراسی، به نفی
صریح ابتدائیترین حقوق و آزادیهای
سیاسی توده ها و به سرکوب خشن و
قهرآمیز توده ها پرداخته است) -
بقیه در صفحه ۴

این روزها فریادهای "آزادیخواهی"
لیبرالها این دشمنان خلق از هر
کوشه و کنار بلند شده است. لیبرالها
که در فریب و تحمیق توده ها استادند،
این بار نیز در شرایطی که توده ها به
مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه و

نگاهی به سیاستهای حکومت جمهوری اسلامی در مورد مسئله زمین

دردوران انقلاب و عمدتاً پس از قیام
بود که دهقانان و توده های زحمتکش
روستائی میهنمان، آرام آرام، بیدار
شده و جنبش دمکراتیک و انقلابی را در اکثر
نقاط ایران برپا داشتند. دهقانان
زحمتکش که مدت های طولانی زیر سلطه
حکومت شاه و دولت شاهنشاهی، استثمار
و ستم خوانین و ملاکین را تحمل نموده و به
زندگی فلاکت باری تن داده بودند، با
سست شدن پایه های حکومت منور شاه،
تدریجاً به جنب و جوش آمده و برای تغییر
شرایط اجتماعی زندگی خویش و برای
کسب زمینهای که قبلاً مالکین با تکیه
بر سرنیزه رژیم شاه و انواع دوز و کلکهای
با اصطلاح "قانونی" از آنان ربوده بودند
حرکتهای وسیعی را آغاز کردند.
دهقانان با وجود تردیدهای که
نسبت به روش حکومت جمهوری اسلامی
در برخورد با زمینداران بزرگ داشتند،
اما تبلیغات این حکومت در ابتدای کار
خوشبینی هایی نا صحیح و توهماتی را در ذهن
دهقانان ایجاد نمود. آنها فکر میکردند
که حکومت جدیدی که به نیروی مردم
و جانفشانیهای آنان بر روی کار آمده،
حکومتی است که از مبارزات دهقانان بر
علیه زمینداران بزرگ حمایت کرده و
با اعمال حاکمیت خود در روستاها، جنگال
خونین زمینداران بزرگ و ملاکین، این
بقیه در صفحه ۲

عوام فریبی هیأت حاکمه در رابطه با مبارزات دانش آموزان جهت شکستن جو اختناق در مدارس

محکوم شده است، از قبیل رخنه عناصر
ناایب در بین دانش آموزان، تفرقه
اندازی امریکا، و نیز بنا م توطئه و
اغتشاش از آن یا دشده است. می بینیم
هر حرکت آزادیخواهانه و اعتراض بر
بقیه در صفحه ۱۱

در چند روز اخیرا اعتراض دانش
آموزان انقلابی به فضای اختناق در
مدارس شدت یافت. و در پی آن چند
مدرسه تعطیل شد. این مبارزات بر حلق
دانش آموزان از طرف سران رژیم و
مجریان سیاستهای آن بنعناوین مختلف

رجائی دروغ می گوید!

صفحه ۱۲

در این شماره:

● اخبار کارگری

● گزارشهای روستائی

● پاسخ به سؤالات

اعتراض دانش آموزان علیه سیاستهای هیئت حاکمه در مدارس

صفحه ۱۳

ترور ۴ تن از رهبران خلق
السالوادور، فاجعه ترور ۴ رهبر
خلق ترکمن رازنده کرد. صفحه ۱۶

● زحمتکشان ایران می پرسند:
میلیونها تومان
کمکهای مالی و
جنسی ما برای آوارگان
جنگ به کجا رفته است؟
صفحه ۷

تنها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله
باهرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

نگاهی به ...

بقیه از صفحه ۱

دشمنان اصلی انقلاب را از زندگیشان کوتاه خواهند نمود.

با زوی کارآمدن دولت موقت بازرگان امیدهائی در دل دهقانان بوجود آمد، اما بزودی سرکوبهای بیرحمانه از یکسو و آشکار شدن ماهیت سیاست دولت در برابر خوردبیا دهقانان باعث آن شد که جنبش دهقانی بسرعت درهمه جا گسترش یابد. دولت بازرگان سعی نمود با ارائه "لایحه زمینداری" که به زمینهای پائیر مربوط میشد، سروته "مساله زمینراهم" بیاورد. اما پاسخ دهقانان در بسیاری از مناطق بدولت موقت یک چیز بود، اقدام مستقل برای مصادره اراضی زمینداران بزرگ. دولت بازرگان اقدام دهقانان برای مصادره اراضی فئودالها و بورژوا ملاکها را "تجاوز و تصرف عدوانی" اعلام کرد. سپس برای آنکه بدین سیاست ضدهقانان جا مه عمل بپوشاند، زمینداران بزرگ و فئودالها را در بسیاری از مناطق از جمله در فارس، کردستان، آذربایجان و سیستان و بلوچستان مسلح کرد. سیاست فریب و سرکوب دهقانان که توسط دولت لیبرال بازرگان دنبال میشد با اوج گیری جنبش دهقانی در این دوره با شکست کامل مواجه شد. دهقانان فریاد حق طلبانه خود را علیه مظالم و تبعیضاتی که و جبا و لکریهای فئودالها و ملاکین رسانتر نمودند.

پس از سقوط دولت بازرگان، شورای انقلاب انجام همان رسالت را در دستور کار خود قرار داد، با این تفاوت که این بار جا رو جنگال دربارها از بین بردن زمینداری بزرگ و تبلیغات سیاسی حاکمیت برای فریب دهقانان، بوسیله قانونی که حکم اعدا مراد در مورد دهقانان که دست بمصادره ملاک بزرگ میزدند، در نظر میگرفت، کامل تر کرد. در این دوره سیاست حاکمیت عبارت از آن بود که از یکسو وعده اصلاحات ارضی و مصادره اراضی زمینداران بزرگ و واگذاری آن به دهقانان بی زمین و کم زمین داده می شود و از سوی دیگر سرکوب قهرآمیز دهقانان مبارزه پیش برده میشود. در این دوره هیئت های هفت نفره که مرکب از نماینده وزارت کشاورزی، یک نماینده وزارت کشاورزی و استانی داری محل کنفرانس جهاد سازندگی یک نماینده دادگستری یا دادگاه انقلاب و دو نفر نماینده شورای ده تشکیل می شود.

با این ترتیب مشخص میشود که حاکمیت شرکت دهقانان در تقسیم اراضی و اجرای اصلاحات ارضی دمکراتیک توسط تشکلهای خود دهقانان همچون شوارهای دهقانی را نقی کرده و بنا بر ماهیت خویش حاضر به قبول یک اصلاحات ارضی دمکراتیک که بفتح اکثریت توده های روستائی یعنی دهقانان بی زمین و کم زمین باشد نیست. شورای انقلاب نیز اگر چه اکثریت آنرا رهبران حزب جمهوری تشکیل می

دادند، همان تلاشهای لیبرالها را در مورد زمین ادا می دادند. البته مسلمان بشیوه ای یوشیده تر و در نتیجه عوام پسندان تر، شیوه ای که دولت رجائی نیز پس از پایان یافتن کارشورای انقلاب، و رسمیت یافتن کار دولت جدیدان متوسل شد. این شیوه اخیر که در حقیقت بیانگر سیاست حزب جمهوری اسلامی در "مساله ارضی" است سعی میکند تا با شعارهای انقلابی در حرف، همان سیاست ارتجاعی لیبرالها یعنی دفاع از منافع زمینداران بزرگ و سرکوب مبارزات دهقانی را در عمل به پیش برد.

اما شعارهای دهان پرکن حزب جمهوری اسلامی نمیتوانست برای دهقانان زحمتکش و رنج دیده ایران قانع کننده باشد. دهقانان بنا بر خصلت طبقاتی و خصوصیات سیاسی و فرهنگی شان بیشتر به عمل متکی هستند تا به حرف. بهمین جهت مبارزات مستقل دهقانان هیچگاه تحت تاثیر تبلیغات دولتی که در رابطه با اصلاحات ارضی و وظایف هیئت های ۷ نفره بر راه میانداخت حتی تخفیف هم پیدا نکرد. تلاشهای دهقانان که با روحیه ای انقلابی در جهت درهم کوبیدن قدرت اجتماعی ملاکین و زمینداران - بزرگ و برای مصادره انقلابی تمام اراضی آنان پیش میرفت، از جانب دولت با متوقف کردن اجرای بند (ج) قانون اصلاحات ارضی پاسخ داده شد. این امر در حقیقت نتیجه اعمال قدرت ارتجاعی رهبران روحانیون و دستگاه رهبری حزب جمهوری اسلامی بوده است که بخوبی معنای حقیقی با اصطلاح هوا ایش را زوده های مستضعف را به تجربه و در مقابل دیدگان میلیونها توده فقیر و ستمدیده ایران آشکار ساخت.

آری، اینجا است که توده های میلیونی خلق بخوبی درک میکنند که آنجا که منافع حیاتی و غیر قابل گذشت سرمایه داران و زمینداران بزرگ مطرح میگردد هیچ تفاهوتی میان لیبرالهای نظیر بازرگان و بنی صدر و سردمداران حزب جمهوری اسلامی موجود نیست. اگر چه رهبران حزب جمهوری اسلامی، بازرگان و بنی صدر را در خط امپریالیسم آمریکایی میدانند اما این امر به هیچوجه مانع از آن نیست که آنها نیز همان سیاست لیبرالها را در "مساله ارضی" که یکی از مسائل بنیانی انقلاب دمکراتیک ایران است، پیگیرانه دنبال کنند!

لغوبند (ج) توسط سه تن از روحانیون (بهشتی، منتظری، مشکینی) و سپس صاحب خیر آیت الله ربانی شیرازی عضو شورای نگهبان بخوبی ماهیت سیاستهای حزب جمهوری اسلامی را در مورد مساله زمین که چیزی جز دفاع از منافع زمینداران بزرگ نیست، آشکار نمود. لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی، همانطور که در گذشته نیز نشان دادند هر دو خواهان سرکوبی جنبش دهقانی و دفاع از زمینداران بزرگ هستند اما هر یک بشیوه خاص خود، اولی (یعنی لیبرالها بویژه در شرایط کنونی که بیش از پیش قدرت خود را در دستگاه دولتی از دست داده اند)

این هدف ضدا انقلابی خود را با الفاظی در مورد "دمکراسی" می آرایند و سخنان بوج در باره آزادی و برابری میزنند. و با این ترتیب معلوم میشود که آزادی مورد نظر آنان که، "شورای شورا" و در حقیقت آزادی کارگران و دهقانان زحمتکش برای مرگ از گرسنگی است و دومی یعنی حزب جمهوری اسلامی با شعارهای بظاها انقلابی و هواداری از مستضعفین مبارزات دهقانان را با خاک و خون میکشد.

اما دهقانان زحمتکش میهنمان که بیش از پیش بمنافع طبقاتی خود آگاه میشوند، تمام اعمال ضدا انقلابی حاکمیت را کناره رزده و مبارزات دمکراتیک خود را گسترده تر خواهند کرد. با تلاش پیشروان طبقه کارگر و نیروهای کمونیست دهقانان بتدریج درک خواهند کرد که بدون پیوند با جنبش طبقه کارگر، مبارزاتشان بر علیه زمینداران بزرگ و بقایای فئودالیسم، هیچگاه به پیروزی قطعی و نهائی منجر نخواهد شد.

اعتراض دانش آموزان ...

بقیه از صفحه ۱۲

محصل، اتحاد، اتحاد، "شورا، شورا سنگر دانش آموز - معلم مبارز هم روز دانش آموز" مدرسه را به دژ مبارزات دانش آموزان تبدیل کنند.

۴- با توجه به شرایط اختناق در رضوان شهر همه نیروهای انقلابی باید از دانش آموزان بخوانند که به مدارس رفته و با اصرار بر خواسته های فوق به ویژه آزادی زندانیان سیاسی و تشکیل شوراهای واقعی مدارس و وظیفه خود را نسبت به امر انقلاب به انجام رسانند.

• دانش آموزان پیشگام اورمیه در رابطه با جوی که می خورند بنام مدارس حاکم کنند و موج اخراج دانش آموزان و معلمین انقلابی، اعلامیه ای به تاریخ دهم آذرماه انتشار داده اند که در بخشی از آن مینویسند:

"رفقای دانش آموزان! وظیفه ما است با روشن کردن علل واقعی اخراج دانش آموزان و معلمین، با افشاء سیاستهای ضد دمکراتیک حاکمیت و آگاهی دادن به توده های دانش آموزان و معلمین انقلابی را به مدارس بازگردانیم. هماکنون، تاکنون تعدادی از دانش آموزان در نتیجه سیاستهای ضد دمکراتیک آموزش و پرورش و روسای دبیرستانها از مدارس اخراج شده اند و هم اکنون تعداد ۲۲ نفر از معلمین انقلابی دبیرستان دخترانه لعلیا از طرف رئیس ناحیه آموزش و پرورش اورمیه و رئیس دبیرستان تهدید به اخراج شده اند. به هوش باشیم و با وحدت و یگانگی خود از اخراج این دانش آموزان انقلابی دبیرستان لعلیا پیشگیری کرده و تصمیمات ارتجاعی و ضدا انقلابی رئیس ناحیه اورمیه و روسای دبیرستان لعلیا را نقش بر آب سازیم.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

اتحاد پیروزمند کارگران آردل

پرتز نمایند و خلاصه "خیرات و برکات" خود را از جنگ اضافه نمود و با جنگ سرمایه داران را هر چه بیشتر برگرد زحمتکشان ببیند از دند تجربه روزمره زحمتکشان ماهیت استثمارگرانه دولت سرمایه داری را برایشان آشکارتر می گرداند و یکی از نمایندگان شورابه فاطمی نژاد گفت "کارگران روضه خوانی شما را گوش کردند و آنها حاضر نیستند حتی یک ریال از حقوقشان بگذرند و ما اینجا میمانیم و شما هم مهمان ما هستید تا ما پول خود را از بانک بگیریم". فاطمی نژاد سعی کرد ابتدا با فریب و بعد با تهدید کارگران را منصرف کند اما وقتی هیچیک از این شیوهها در مقابل صف متحد کارگران موثر نیفتاد مجبوره تسلیم شد و کارگران مبارز "آردل" موفق شدند حقوق خود را از بانک دریافت کنند.

روز پنجم آبانماه، کارگران کارخانه آردل به خاطر اعتراض به عقب افتادن حقوقشان در سالن نهارخوری کارخانه جمع شدند تا به سخنان شخصی بنام فاطمی نژاد از شورای هماهنگی صنایع مادر گوش دهند. این شخص پس از مقداری مقدمه چینی، بالاخره نیت اصلی خود را آشکار ساخت و گفت:

"در شرایط جنگی باید از حقوق پایسه کارگران کم شود"

مزمه اعتراض کارگران در مقابل این پایمال کردن آشکار حقوقشان، اوج گرفت و فریادی یکپارچه بدل گردید. کارگران گفتند ما یک ریال هم از حقمان نمیگیریم. فاطمی نژاد که جوابی در مقابل حرفهای برحق کارگران نداشت کوشید آنها را به صبر انقلابی دعوت کند و او گفت: "قبول دارم که بعد از انقلاب برای کارگران هیچ کاری نشده و... ولی در زمینه کشاورزی خیلی کار شده است و شما هم باید صبر کنید".

اما کارگران هر روز بیش از پیش در می یابند که "شرایط جنگ" بهانه ای است که سرمایه داران و دولت حامی آنها میکوشند از آن بیشترین بهره را بگیرند. براساس شمار کارگران بیفزایند و از حقوقشان بکاهند، با گسارن کردن و احتکار کالاها جیبهای گشادشان را

تجربه مبارزات کارگران آردل به آنان وسایر همزنجیرانشان بیشتری آموزد که در مقابل سرمایه داران و دولت حامی آنها تنها تشکل و آگاهی کارگران میتواند موثر باشد. هرکجا که کارگران از آگاهی و تشکل برخوردار باشند قادرند سرمایه داران و نمایندگانشان را واداره عقب نشینی کنند.

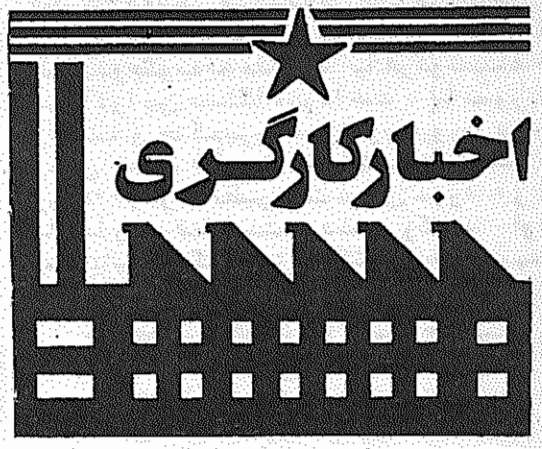
افزایش حقوق مدیران خشم کارگران را برانگیخت

شورای مرکزی گروه براساس نامه ای از سندیکا، جلوگیری از این اضافه حقوق را گرفت و مابه التفاوت آنرا تیز که از آبان ماه پرداخت شده بود به صندوق بازگرداند. جالب اینکه هیئت مدیره رجواب شورا گفت "از جریان خبرنداشتیم و اینکار را مدیران قسمت کرده اند". اما کارگران میدانند که مدیران بدون اطلاع هیئت مدیره نمیتوانند کاری بکنند. کارگران بخوبی دریافتند که قانون، قانون سرمایه داران است و وجهت تا مین منافع آنها.

کارگران قسمت سراسیاب، کفش ملی، روز یکشنبه و م آن رماه در پی افزایش حقوق مدیران کارخانه دست از کار کشیدند.

این افزایش حقوق مدیران زمانی صورت میگیرد که برای پرداخت حقوق ناچیز کارگران هر روز میگویند پول نداریم، در شرایطی صورت میگیرد که کارگران زیر بار مخارج زندگی خرید می شوند و گرانی و کمبود بیداد میکند. هر روز فقر زحمتکشان افزوده میشود. کارگران می پرسند چرا هر وقت ما حق خودمان را میخواهیم میگویند قانون اجازه نمیدهد.

روز بعد از اینکه کارگران دست از کار کشیدند



اخبار کارگری

تجمع کارکنان

ایران ترمینال خرمشهر

مقابل مجلس شورا

نزدیک بد و هزار نفر از کارگران و کارمندان شرکت ایران ترمینال خرمشهر که در نتیجه جنگ غیرعادی ایران و عراق آواره و سراسر گردان شده اند، روز یکشنبه و م آن رماه برای احقاق حقوق به مجلس شورا مراجعه کردند. آنها خواستار سه ماه حقوق عقب افتاده خود و کارمسن بودند. این گروه در ابتدا با سه پاسدار مسلح روبرو شدند که مانع ورودشان به مجلس شدند. آنها پنج نماینده انتخاب کردند و داخل مجلس فرستادند. اما بعد از مدت کوتاهی، نمایندگان نزد همراهان خود برگشتند و گفتند ما در آنجا نمیتوانیم سخن بگوئیم و افرادی که در آنجا هستند بفرمان نیستند. کارگران و کارمندان که میخواهند به هر ترتیب دست بکارشان رسیدگی شود خواستار حضور نماینده ها هواز شدند.

نمایند همزبور جمع آنها آمد و پس از خواندن چند سوره از قرآن، برخلاف انتظار کارکنان، نه در باره خواسته های آنها بلکه در باره ضد انقلاب صحبت کرد. چرا که لابد از دید او کارگران و کارمندان که خواستار حق خود میشوند، ضد انقلاب بحساب می آیند.

تجمع کنندگان بدون هیچ نتیجه ای متفرق شدند.

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد

لیبرالها، پرچمداران...

بقیه از صفحه ۱

برخاسته اند، با پرچم دروغین "آزادی" و "دمکراسی" به میدان آمده اند تا بنا بر "آزادی" و "دمکراسی" مقاصد خائنه خود را عملی کنند و مبنای زحمتکشان میهن ما را به انحراف میکشاند. واقعیت این است که "آزادی" و "دمکراسی" ادعای لیبرالها سوی آن "آزادی" و "دمکراسی" است که توده ها میخواستند. لیبرالها "آزادی" را برای خیانت به خلق میخواستند.

"آزادی" از نظر آنها یعنی آزادی به بند کشیدن توده ها، آزادی در استعمار و غارت هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان آزادی چسپا و لگری سرمایه داران، آزادی سرکوب توده ها، آزادی تحکیم و تقویت هر چه بیشتر روابط با امپریالیستها و بازگذاشتن دست آنها در استثمار و غارت خلقهای تحت ستم میهن ما است. این است معنای "آزادی" لیبرالها.

اما توده های زحمتکش از آزادی برداشت دیگری دارند، از نظر آنها آزادی یعنی سرکوب دشمنان خلق آزادی تشکیل شوراهای توده ای، آزادی فعالیت های سیاسی نیروهای انقلابی و مترقی، آزادی در سلب آزادی دشمنان خلق، آزادی برای کارگران یعنی آزادی در سلب مالکیت از سرمایه داران، آزادی شکل و فعالیت در سازمان های سیاسی خود و آزادی برای دهقانان یعنی زمین، یعنی سلب مالکیت و تصدیر املاک زمینداران بزرگ و حق تشکیل آزاده شوراهای اتحادیه های دهقانی و خلاصه "دمکراسی" که لیبرالها از آن دم میزنند یعنی حکومت سرمایه داران یعنی دیکتاتوری اقلیت محدود استعمارگران علیه اکثریت جامعه، اما "دمکراسی" از دیدگاه توده های زحمتکش و در رأس آنها طبقه کارگر مفهوم دیگری دارد. "دمکراسی" یعنی حکومت اکثریت عظیم جامعه، یعنی دیکتاتوری زحمتکشان علیه سرمایه داران، زمینداران و همسایه دشمنان خلق.

بنیبنیم آیا تجربه زحمتکشان میهن ما جز این را به آنها آموخته است؟

همه ما بیا داریم که چگونه با زرگان یعنی همان کسی که امروز مدافع "آزادی" و "دمکراسی" شده است از ابتدای نخست وزیری خود به مخالفت با اعدام عناصر سرسپرده و مزدوران منفور رژیم پهلوی برخاست و تمام سعی خود را در جلوگیری از اعدام آنها بکار گرفت. اما این عناصر چنان رسوا و منفور بودند که حاکمیت در زیر فشار توده ها چاره ای جز اعدام آنها نداشت. همه بخاطر داریم زمانی که کارگران و زحمتکشان در اوج مبارزات خود به مصاف با دشمنان و بدست گیری تولید و توزیع می پرداختند، زمانی که دهقانان پس از سالها تحمل ستم زمینداران دست به مصاف با زمینها میزدند، با زرگان این اعمال را اخلاص

خوابکاری و تضعیف دولت می نماند و کوچکترین تعرضی به سرمایه ها و کارخانجات و املاک به مخالفت می پرداخت. همه بخاطر داریم که چگونه با زرگان شوراهای را تحت پوشش "دخالت بیجا" در کار مدیران سرکوب نمود.

با زرگان کسی است که خواهان "آزادی" مزدوران کشیفی چون هویدا شد. با زرگان کسی است که میخواست رضایی ها، خیا می ها و سرمایه داران وابسته دیگری که سالیان سال خون خلق ایران را میکشیدند، به ایران بازگردند و آزادانه "به چسپا" و غارتشان ادا مدهند. و با فرار دادن بختیار از "مرزبانان" باعث شد تا این مزدور خائن بتواند در کمالات "آزادی" به خدمت هر چه بیشتر برای امپریالیستها بپردازد. با زرگان کسی است که میخواست ملاقات با برژینسکی و روابط هر چه صمیمانه تر با آمریکا آزادی را بدو بالاخره مهمتر از همه با زرگان کسی است که جاسوسان آمریکائی و سرسپردگان رژیم شاه را در مقامات حساس گماشت. پس کاملاً روشن است که با زرگان "آزادی" را برای مزدوران امپریالیسم، سرمایه داران وابسته و حامیان آنها میخواهند، منظور او آزادی همانا، آزادی استثمار و غارت و چپاول کارگران و زحمتکشان و آزادی بسط و گسترش و تحکیم روابط با امپریالیستها است.

منظور قطب زاده از "آزادی" از اینهم روشن تر است. مثلاً قطب زاده خواهان "آزادی" گروهگانه است او از ابتدای ماجرای سفارت فریاد آزادیخواهی خود را به خاطر گروهگانه بلند کرده بود، قطب زاده می خواهند همه جاسوسان و سرسپردگان امپریالیسم (یعنی تمام افرادیکه از قماش خود هستند) "آزاد" باشند. کلاً "قطب زاده" خواهان "آزادی" روابط حسنه با آمریکا است. قطب زاده میخواهد با زسازی و گسترش هر چه سریعتر روابط ایران با امپریالیسم "آزاد" باشد.

پس کاملاً روشن است که قطب زاده نیز "آزادی" را برای مزدوران امپریالیسم، سرمایه داران وابسته و حامیان آنها میخواهد و منظور او "آزادی" همانا، "آزادی" سرکوب توده های زحمتکش و نیروهای مترقی، "آزادی" برقراری خفقان و اختناق و "آزادی" بسط و گسترش و تحکیم روابط با امپریالیستها است. نام قطب زاده با داورسانسور و خفقان است. همه بیا داریم که چگونه

قطب زاده سعی کرد تا می توانست متریقی را از ادبیات و لیونیون تصفیه و اخراج نماید و چگونه به مقابله با هرگونه شوراداران دستگاہ پرداخت. سا نسور و اختناق حاکم بر ادبیات و لیونیون در زمان تصدی قطب زاده و تهدیدهای هر روزه او بر ضد مطبوعات در آن دوره از یادمان نرفته است. دشمنی و کینه او نسبت به کارگران و زحمتکشان، نسبت به نیروهای انقلابی را از یادمان نبروایم. بنی صدر نیز هدفش از فریاد های "آزادی" و "دمکراسی" چیز متفاو تسی نیست. همه شا هدیده ایم که بنی صدر چگونه بر نظریه "شورایی شورا" با فشاری می کرد و شوراهای کارگران و دهقانان را که دشمن درجه یک مدیران و سرمایه داران میدانست منحل اعلام کرد یا دمان هست که بنی صدر چگونه در مقابل کشتار رهبران خلق ترکمن لاپوشانی و سکوت پیشه کرد و در عوض حمله وحشیانه به ترکمن صحرا و نا بود کردن شوراهای دهقانان زحمتکش آن سازمان را سازمان داد. جنگ وحشیانه و سرکوب و کشتار خلق کرد را که یادستور مستقیم بنی صدر انجام گرفت فراموش نکرده ایم و یادمان هست که بنی صدر کشتار وحشیانه دانشگاه آن شب خونین را سیادت جمهوری اسلامی نامید.

بنی صدر "آزادی" کودتا چنان را میخواستند و دست خودشان را کودتا را پس از "دلجوئی" به ارتش باز میگرداند بنی صدر از خطرات روزانه خود (کارنامه رئیس جمهور) آرزوهای "آزادیخواهان" خود را چنین بیان میکند "آزاد بهتر نیست بجای اینکه مردم سرگرمیشان اعدام و مصادره شود، سرگرمیشان حماسه های شگرف و بی مانند بگردد" (انقلاب اسلامی - شماره ۳ آذر) یعنی اینکه، آزادی بهترین است کودتا چنان و سایر سرسپردگان و مزدوران امپریالیسم بجای محاکمه و اعدام آزادیست (ها نظور که آزادیست) آیا بهترین نیست ملک و املاک کارخانجات و سرمایه ها و خانه ها و زمین های سرمایه داران و زمینداران در کمال "آزادی" متعلق به خودشان بماند و مردم هیچگونه چشمداشتی به آن نداشته باشند و کلاً آزادی بهترین نیست مردم از اعدام مزدوران و سرسپردگان امپریالیسم و از مصادره اموال سرمایه داران و زمینداران چشم پوشند و در عوض سرشان به حماسه های چون ریختن بمب و راکت بر سر شهرها و روستاها، کشتار زحمتکشان، نابودی کارخانجات و صنایع و کلاً جنگ ارتجاعی دولت ها گرم شود.

بنی صدر میگوید: "آزادی بهترین نیست بجای کینه ورزیدن... مهربورزند، بهترین نیست بجای مادیت خشین، خشونت مادی به معنویت اسلام... بیاز گردند" (همانجا) یعنی اینکه آزادی بهترین نیست، کارگران در عوض نفرت و کینه طبقاتی نسبت به سرمایه داران و رفرا اورا دوست داشته باشند و آزاده دهند در بقیه در صفحه ۱۰

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی! در رژیم جمهوری اسلامی

از تاریخ ۵۹/۹/۱۲ در زندان اوین (بند ۳) اعتصاب غذای نامحدود از جانب نیروهای انقلابی دستگیر شده آغاز شده است. شرکت کنندگان در اعتصاب حدود ۴۰ نفر میباشند.

خواستهای برخلاف آن شامل موارد زیر است:

۱- ایجاد یک بند سیاسی جدا از زندانیان رژیم گذشته
۲- رسیدگی به پیرونده زندانیان بابت تکلیف و زندانیانی که محکومینشان تمام شده و هنوز در زندان بسر میبرند.

۳- برگرداندن رادیوها و کتابهای جمع آوری شده از داخل زندان و همچنین اجازه ورود کتابهایی که خانواده زندانیان میآورند.

۴- برگرداندن زندانیان اوین که به زندان قصر منتقل شده اند و رفع فشار و تضییقاتی که به آنان وارد می شود. آری این فرزندان صدیق خلق که سالها در رژیم گذشته به مبارزه برخاسته بودند، اکنون نیز پس از قیام خونین خلق در زندانها بسر میبرند و تنهایی جرم آنان ارتباط با سازمانهای انقلابی یا فروش نشریات سازمانهای انقلابی و آگاهی دادن به زحمتکشان است.

دولت جمهوری اسلامی در حالیکه سرسپردگان رژیم گذشته را به بیانه های مختلف از زندانها آزاد می کند هر روز صد ها نفر از فرزندان انقلابی خلق زحمتکش را به بند می کشد.

ما از تمام نیروهای مترقی و انقلابی می خواهیم ضمن افشای مدام در باره زندانیان رژیم و کیفیت جرمهای زندانیان سیاسی که گاه در حد پخش یک اعلامیه یا فروش یک نشریه است حقایق را با اطلاع خلق قهرمان ایران برسانند و خواستار آزادی این زندانیان بشوند.

درگیری بین صیادان و پاسداران در کلاچای

صیادان کلاچای رود سر و روزنهم از راه برای صید بیدریا میروند که با حمله پاسداران مسلح روپر و میشوند. اهالی زحمتکش روستا که عمدتاً کشاورزان و صیاد هستند و نیز فرزندان دانش آموزان به حمایت از این صیادان برخاستند چرا که خوب میدانستند آنها ناچارند برای سیرکردن خود و خانواده شان دست به صید بزنند و آنها بخوبی درک کرده بودند که رژیم جمهوری اسلامی صید را ممنوع اعلام کرده اما کار دیگری برای تامین زندگی صیادان در نظر نگرفته است. آن روز بین مردم زحمتکش روستا و پاسداران سرمایه درگیری رخ داد و مثل همیشه یکی از صیادان با تیرهوائی! پاسداران مجروح و روانه بیمارستان شد و تعدادی دیگر از صیادان و چند دانش آموز نیز دستگیر شدند.



گزارشهای روستائی

مبارزه پرشور دهقانان روستای "لاتک" برای حفظ شورا

دهقانان زحمتکش روستای "لاتک" با اتحاد و مقاومت یکپارچه و حفظ شورای خود در مقابل توطئه ها و دسیسه های زمینداران و حامیانشان ایستادگی میکنند. روستای "لاتک" در جنوب رحیم آباد از بخش های شهرستان رود سر واقع است و زندگی اهالی آن عمدتاً از راه کشت چای و برنج و تاحدی دامپروری میگردد. زمینهای این روستا قبل از زفر فرم ارضی شاه در دست فتودالی بنام ابوالحسن اسحاق پور بود و او بعد از زمینها را در اختیار شخصی بنام حاج محمد اسلامی قرار داد و حاج اسلامی در تمام این سالها به آزار و استثمار دهقانان میپرداخت. بعد از قیام خونین بهمن ماه مردم زحمتکش "لاتک" شورای ده را تشکیل دادند و زمینهای حاج اسلامی را که بالغ بر دو هزار هکتار باغچای بود مصادره کرده و بصورت شورائی روی آن کار میکردند. یکبار دادگاه انقلاب رود سر نفع دهقانان را داد اما اسلامی بیکارنشست و وقتی رئیس دادگاه عوض شد و شیخ محمد علی گرما به دشتی که از دوستان نزدیک فتودالیهای منطقه

است - و در "کار" ۳ نیز در خبر مربوط به روستای پیانغوزین از زندانیان اوین یاد کرد. بودیم - رئیس دادگاه انقلاب اسلامی رود سر شد و از همان روزهای اول بدفاع از اسلامی پرداخت و دهقانان را بدادگاه احضار کرد اما دهقانان مقاومت میکردند و او یکروز فتواداد که "زمین مال امام زمان است ما هم نماینده امام زمان هستیم و شما باید بما اجازه دهید" این فتوا با تمسخر دهقانان که به تراز هر کسی میدانند که زمین مال کسی است که روی آن کار میکند روبرو شد. رئیس دادگاه متوسل به حیل و دغلی شد و گفت: خدا را خوش نمیدانید، ایشان زحمت کشید هاند! باغ را تقسیم کنید، نصف مال شما و نصفش هم مال ایشان" که باز هم مقاومت دهقانان روبرو شد. روستائیان "لاتک" هنوز به کشت شورائی خود ادامه میدهند و زمینداران رود ادگاه حامی او نیز هر روز دست به توطئه تازه ای میزنند اما اتحاد و یکپارچگی دهقانان تا بحال تمام این دسیسه ها را خنثی کرده است.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

زحمتکشان ایران می پرسند: میلیونها تومان کمکهای...

بقیه از صفحه ۸



خرم آباد ۵۹/۹/۳۰
صف آوارگان جنگ، در برابر آوارگاه گل
کا راستان لرستان .
آنها و هزاران نفر دیگر از آوارگان

تور چهارتن از رهبران خلق السالوادور

بقیه از صفحه ۱۶

ورئیس جمهور دخالت در قتل را "تویا
تکذیب میکنند" اما البته اظهارات
هم از قتل آنان نمیکند! و اینجا هم
دولت "انقلابی" از مردم میخواهد،
ادعای آنها را باور کنند! اینجا هم
دو واقعه با بیست هزار کیلومتر فاصله
و با یک فاصله زمانی ده ماهه نشان میدهد
که همه چیز مثل هم و رو نوشت برای برپا
اصل است! عجیب که نیروهای ضد خلقی
بقدر در اجرای نقشه های جنایتکارانه
به همدیگر تاسی میکنند.

اما همانطوریکه خلق ترکمن،
خلق کرد، ... و خلاصه همه خلقهای
ایران دورنمای حاکمیت را باور
نکردند خلق السالوادور حتی لحظه ای
در صحنه سازی شک نکرد. اما با یک
تفاوت مهم آن اینکه در آنجا جنبش
انقلابی السالوادور نه تنها از این
ضربه گنج نگشت و مانند پورتوئیستهای
"کمیته مرکزی" دچار انفعال و سازش نشد،
و به توجیه حاکمیت بر نیامد، و از عاقلین
فاجعه نخواهد است تا "مسئله را پیگیرانه
دنبال کنند" بلکه با تشدید مبارزه
انقلابی ویژه خویش، کما رهبران
انقلابی خود را به ملی برای اعتلای
خشم و نفرت توده ها نسبت به رژیم
السالوادور و امپریالیسم آمریکا بدل
کرد. آنان با تشدید عملیات قاطعانه
و مبارزاتی خویش ضربات کتاری
و ارزشمندی بر نیروهای گارد ملی وارد
آوردند. از هشتم آذرماه به اینطرف
شا هدا و جگیری مبارزات انقلابی خلق
السالوادور به رهبری "بلوک انقلابی"
که یک جبهه ضد امپریالیستی دمکراتیک
است هستیم. خبرگزاریها اعلام کردند
که "دنبال قتل رهبر چپ گرا،
انفجارهای شدید بمب، شهرسان سالوادور
را به لرزه در آورده است." و هر روز
ضربات تازه ای بر پیکر رژیم نظامی
السالوادور زده میشود.

این واقعیتی است که رژیم های ضد
خلقی از همه تجربیات ملی وجهانی و ضد
انقلاب برای سرکوب خلقها استفاده
میکند تا چند صدها دیگر به حاکمیت
ننگین خود ادامه دهند. اما این درس
بزرگ تاریخ است: آنچه در رونده
حرکت تاریخ تعیین کننده است مبارزه
خلقهاست. آنها با بهره جستن از
تجربیات جنبش کارگری و آزادی بخش
در سراسر جهان و با تکیه بر همبستگی
جهانی و اتترنا سیونا لیسم پرولتاری
سرا نجام پوزه حکومتی ضد خلقی را
بخاک مالیده و حکومت زحمتکشان را
برقرار خواهند کرد.



روزهای متممادی در صف های مشابه
می ایستند تا یک تخته پتو و مقصداری
برنج و نفت و روغن - اگر گریبیا بسد و
مسئولان بدهند - بگیرند.

های عینی و سندهای زنده کوبنده ای
هستند برای نشان دادن ماهیت هیئت
حاکمه و مشتی است برده ها در یوزگان
آستان بورژوازی.

رقعا، هواداران!

با تمام توان خویش بیاری آوارگان
جنگ بشتا بیم و حماسه های نوینی از
عشق به خلق و نفرت به ضد خلق بیافرینیم
در تمام شهرها و مناطق اسکان آوارگان
آوارگان، توده ها را در "شوراهای مستقل
آوارگان" متشکل سازیم این شوراهای
خود کمیته های چون کمیته های
ارزاق، پوشاک، سوخت، بهداشت پزشکی
و بهداشت تشکیل میدهند. وظایف هر
یک از کمیته ها با این شرح است:
۱- کمیته ارزاق - جمع آوری و
توزیع عادلانه ارزاق عمومی و همچنین
نظارت بر بخت جمعی غذا و توزیع آن.
۲- کمیته پوشاک - با در نظر گرفتن
نیاز کودکان زنان باردار و افراد
مسن تقسیم پوشاک متناسب با نیاز
زحمتکشان صورت گیرد.

۳- در صورت امکان ایجاد مراکز
درمانی، آموزش کمکهای اولیه،
آموزش بهداشت، تعبیه فاضلابهای
بهداشتی و ایجاد مراکز جمع آوری زباله
با فاصله ای دور از مناطق مسکونی
تنظیم برنا مه روزانه برای استفاده از
شیرهای آب و استحمام را سا زمان دهیم
یا وسایل ابتدائی مثلاحتی بایک
لامپ کوچک وسیله ای برای گرم کردن
کرسی بوجود آوریم (در صورت وجود برق
بعلاوه آگاه ساختن زحمتکشان به
حقوق واقعی شان و وظیفه همیشگی ما
خواهد بود.

خویش به نفع آنها صرف نظر کرده؛ ندمثلا
چند محله، خرید میوه و سبزیجات را برای
خودی ها تحریم کرده اند تا به جنگزده ها
برسد. دولت خیلی سعی کرد که کمبود
مواد غذایی را به گردن آوارگان
بیندازد و مردم شهر و آنها را رو در روی
یکدیگر قرار دهد اما این تبلیغات
بدلیل آگاه بودن اکثریت مردم شهر
خنثی شده است. دولت اکنون مدتی
است که با تمام وسایلی که در اختیار
دارد وسیع سعی میکند آوارگان را به
شهرهای دیگر منتقل کند و اینطور انمود
میکند که در آنجا ها همه چیز فراهم است و
در آسایش کامل خواهند بود. ولی توده
های آوارگان یکپارچه و متحد جواب
میدهند: "شما دروغ میگویید، مگر تبلیغ
نمیکنید که در جنگ با عراق به پیروزی
های چشمگیری نایل شده اید پس چگونه
ارتش عراق ممکنست به اینجا بیاید،
مردم اینجا چه میشوند؟ نیرویتان را
کجا برده اید؟ شما عوام فریبید! اگر
راست میگویید پس چرا به آوارگان
بهبهان و اصفهان و شیراز و جاهای
دیگر نه تنها رسیدگی نمیکند بلکه
زیرشان آب باز میکنند و آنها را کتیک
میزنید. شما میخواهید ما را با زهم
آواره ترک کنید. شما کلک بازید، میخواهید
ما را از هم دور کنید تا در بیابانهای پر
ما رو غرق جیرفت خیلی راحت سرمان
را زیر آب کنید و کسی خبر نشود. ما هم
اینجا با هم خواهیم ماند و اگر نه ما را به
آبادان بفرستید ما حاضریم زیر خمپاره
و راکت بمیریم" دولت در جواب میگوید:
"هر که برود معلوم است مسلمان است و
هر که نرود معلوم میشود مسلمان نیست
و ما او را مثل یک کافر بزور بیرون
خواهیم برد." وضعیت اسفبار آوارگان
جنگ، نحوه زیست و بهداشت آنان شانه

زحمتکشان ایران می پرسند:

میلیونها تومان کمکهای مالی و جنسی ما برای آوارگان جنگ به کجا رفته است؟

بیش از یک میلیون نفر از زحمتکشان جنوب و غرب کشور که در نتیجه جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق بیخانمان شده اند، اکنون در حاشیه شهرها و قصبات کوچک و بزرگ پراکنده شده و در وضعیت اسفباری بسر میبرند، بیماری، گرسنگی و سرما زندگی همه آنها را به نا بودی تهدید میکند. توده های زحمتکش سراسر کشور با ایثار و از خودگذشتگی از شکم خود و بچه های ایشان زده اند و آذوقه و پوشاک خود را برای زحمتکشان آواره جنگ فرستاده اند. این کمکها از طریق ارگانهای حکومتی و سایر نهادهای وابسته به آن از قبیل مساجد و بسیج ارسال شده اند. این امید و اعتماد که زحمتکشان آواره را از گرسنگی و سرما برهانند و دولتی اکنون با بررسی وضعیت آوارگان جنگ که به سر بند رفته اند بعنوان مشتی نمونه خروار بیشتر در می یابیم که آوارگان نه تنها از کمکهای ارسالی زحمتکشان کشور برخوردار نشده اند بلکه زندگی آنها در معرض خطرات جدی قرار گرفته، و حتی از طرف مسئولین و وابستگان آنها مورد توهین و ضرب و شتم نیز قرار میگیرند. وقتی ارتش ضد خلقی عراق به مرز شلمچه رسید، زحمتکشان روستای شلمچه بدلیل نداشتن هیچگونه وسیله دفاعی، با عداقت و وسایل زندگی به خرمشهر کوچ کردند و پس از پیشروی عراق و شدت حمله به خرمشهر (که تراکم جمعیت موجب تلفات جانی بسیار شد) سرمایه داران، تجار، زمینداران و مالکان با اولین حمله ها اناشیه و وسایل خود را با رکرده و بیه املاک و مستغلات خود در مناطق بی خطر رهسپار شدند. ولی زحمتکشان خرمشهر که اکثریت آنها را توده های محروم طبقه عرب تشکیل میدهند کمی دورتر از مناطق جنگی و به نزدیکترین مناطق مسکونی رفتند. این توده ها ابتدا در "دارخوین" و "مارد" درجاده آبادان - اهواز اسکان یافتند و سپس به "شادگان" و "سربندر" کوچ کردند. با حمله عراق به آبادان، به آواره های این مناطق توده های عظیم زحمتکشان آبادان نیز امانت داده شدند.

از جمعیت آوارگان، توده های فقیر و زحمتکش و روستائینی که عمدتاً عرب هستند جزء آخرین گروههایی بودند که

شهرها را ترک کردند و عمدتاً در شادگان، سربندر، ماهشهر و در صدکمی از آنان نیز در بیهقان و رامهرمز سکنی گزیدند. وضعیت سربندر

سربندر شهر نوسازی است که در انتهای جاده آبادان - ماهشهر در ۱۵ کیلومتری ماهشهر و در ۹۰ کیلومتری آبادان قرار دارد و در زمان رژیم گذشته برای اسکان دادن افرادی که در بندر امام خمینی "شاهپور سابق" مشغول بکار هستند ساخته شده است. چون بندر امام خمینی از نظر جغرافیائی و وجودتاسیسات شیمیائی از امکانات کمتری برای زیست برخوردار است بهمین دلیل کارکنان مجتمع شیمیائی بندر، در سربندر سکونت دارند. شهر طبقه بندی شده است. کارمندان بندر در یک قسمت، کارگران در قسمت دیگر، کارکنان گمرک در یک قسمت و... خانه های گمرک، خانه های بندر، صد دستگاه کسه عمدتاً از دارندگان شغل آزاد تشکیل میشود. ویلیام بهراه (که عمدتاً بازاریها، کارگران آزاد و... ساکن هستند)، خانه های فرهنگیان هفتصد و هفت دستگاه، بلوکیها و... اهلالی سربندر را عمدتاً کارگران و کارمندان بندر "امام خمینی"، کارکنان گمرک و فرهنگیان و بازاریان تشکیل میدهند. این شهر در حدود ۲۰ هزار نفر جمعیت دارد و اکنون ۴۵ هزار نفر آواره جنگی نیز به ساکنان شهر افزوده شده است.

توده های آواره وقتی به شهر وارد شدند انتظار داشتند دولت جاها را معینی را به آنها اختصاص دهد بهمین دلیل بمحض ورود به شهر در اطراف فرمانداری و دفترها دسازندگی اجتماع کردند اما پس از مدت کوتاهی سردرگمی دریافتند که مجبورند خود بدنبال یافتن محلی برای اسکان باشند، لذا چندین محل را متصرف شدند. حاکمیت تحت فشار توده ها و تصرف آنها بی آنکه ناچار شد از طریق مساعدمیته ها آوارگان را در محل های زیر اسکان دهد:

۱- کمپ B: این کمپ بفاصله ۳ کیلومتری از شهر بطرف ماهشهر قرار دارد و متعلق به جمع شیمیائی ایران و زاین می باشد. در زمان رژیم شاه، این کمپ برای سکونت ژاپنی هایی که در

شرکت ایران و ژاپن کار میکردند ساخته شده بود که عمدتاً اطافهای آن یک نفری و یا دونفری است. حدود ۲۵۰۰ خانه پیش ساخته در این کمپ وجود دارد. دو آشپزخانه بزرگ و مجهز و سلف سرویس و سایر تجهیزات و وسایل زندگی در این کمپ تعبیه شده است که هیچیک از این وسایل در اختیار توده ها قرار نگرفته است. در این کمپ اکنون ۱۴ - ۱۶ هزار نفر زندگی میکنند یعنی بطور متوسط در هر اتاق حدود ۵ الی ۶ نفر زندگی میکنند. ژاپنی ها غذای خود را در سلف سرویس میخورند و از اطافها فقط برای استراحت استفاده میکنند در حالیکه آوارگان اکنون مجبورند از همان اطافها بعنوان آشپزخانه نیز استفاده کنند. تجمع توده ها کمپ را بصورت شهرک پرجمعیتی درآورده که هر لحظه در حال انفجار است در روزهای اول اسکان دولت تحت فشار اعتراضات توده ها و بخاطر عواطف فریبی و تبلیغات، جیره غذایی میداد که هر روز متفاووت بود یکروز نان و خرما، روز دیگر برنج و شیر و... این جیره برای زحمتکشان و خانواده هایی که سرپرست و نان آور خود را از دست داده اند بسیار رنجناک بود. در بین آنها کسانی را میتوان یافت که حتی یک ریال هم پول ندارند، کودکانی که رنگشان زرد شده است و زنان جوانی که رنگ باخته اند فراوانند.

حکومت، مردم آواره را تحت فشار قرار داده که آنجا را به مقصد جیرفت، کرمان بوشهر و... ترک کنند و دولتی آوارگان مقاموت میکنند و دولت نیز به کثیف ترین شیوه ها متوسل شده تا بدینوسیله فشار بر آنها را مجبور به رفتن کند. از جمله جیره غذایی آوارگان این کمپ را قطع کرده است! در پی این اقدام ضد خلقی حاکمیت، راهپیمائی اعتراضی در کمپ انجام شده است و لای جواب حاکمیت تهدید بیشتر توده ها بوده است و حتی آنها را به قطع آب و برق کمپ تهدید کرده است! پس از قطع جیره غذایی، وضع مردم بسیار بدشده است. گدایی رواج یافته است. کودکان و نوجوانان را هنگام ظهر و غروب کاسه بدست با چشمانی نگران و آژمند پیشتر آشپزخانه میتوان دید که در انتظار

بقیه در صفحه ۸

**تعطیل دور و در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و
لازمه ارتقاء آگاهی آنان است**

زحمتکشان ایران می پرسند:

میلیونها تومان کمکهای...

بقیه از صفحه ۷

ترحم آسپز بسر میبرند تا شاید از ته مانده جیره سرپا زانیه آنها بدهد. بهداشت ساکنان کمپ اسفندک است. بوی ادرار و مدفوع، فاضل آب و پروازانبوه مگسها جزء لاینفک کمپ شده است. بچه ها اکثر به چشم درد و اسهال، اسهال خونی، بیما ریه های انگلی و... دچار هستند. رژیم جمهوری تعمداً حاضر نیست در بهداشت کمپ همکاری کند تا بدینوسیله بیشتر به آوارگان فشار بیاورد و آنها را بجای دیگری آواره گرداند.

۲- محله ویلیا مبهراه: این محله از ۱۶۲ خانها بیلوکی و ۳۲۰ دستکاه خانه آجری نیم ساخته بدون در و پنجره تشکیل شده است. که در حال حاضر در بیلوکی ها حدود ۴۰۰۰ نفر و در آجری ها ۸۰۰۰ نفر از آوارگان اسکان یافته اند. این محله بدلیل دوری از شهر از امکانات کتری برخوردار است. مسجد و کمیته به سر خانوادگی کمتر از ۷ نفر ۲ پتو و به سر خانوادگی بیشتر از ۷ نفر ۳ پتو داده است! در اینجا فقر بیش از جاهای دیگر است. اگر فقط یک ربع ساعت در این محله توقف کنی با اطفال و نوجوانانی که چرک بر بدنشان چسبیده و جزیبی از پوستشان شده و بیرو میبوی که از تونان، لباس، پول، کفش و... می خواهند. بیماری چشم درد فراوان است و بسیار نزدیک شدن سرما، بیما ریهها زیادتر خواهد شد و تعداد بیشتری از زحمتکشان درمانده را قربانی خواهد کرد. مواد سوختی یافت نمیشود و با زحمت بسیار هیزم جمع آوری کرده و با آن پخت و پز میکنند، جمع آوری هیزم نیز مشکل دیگری است.

۳- پارک شهر: هلال احمد در این پارک حدود ۱۰۱ چادر نصب کرده است که تقریباً ۸۰۰ نفر از آوارگان در آن جای داده شده اند. جیره غذایی این زحمتکشان نیز برای تحت فشار قرار دادن آنها برای مهاجرت، قطع شده است و حتی تهدید شدند که چادرها را جمع کرده و پتوها را نیز پس خواهند گرفت! ولی مقاومت زحمتکشان تاکنون مانع چنین کاری شده است. این چادرها در زمستان غیرقابل سکونت خواهند شد. از نظر بهداشتی وضعیت این پارک نسبت به مناطق دیگر قابل تحمل تر است.

۴- مدارس: در سر بندر ۶ مدرسه وجود دارد که همه آنها مملو از آوارگان است. در هر کلاسی دوالی سه خانوار (حداً ۱۰ نفر) زندگی میکنند. کمبود مستراح و دستشویی وضعیت بهداشتی خطرناکی را در این مدارس بوجود آورده است. راهرو

ها اغلب کشیف و اطراف مدارس، اردوگاه حشرات است. بوی تعفن و ادرار از مسافتی دور بمشام میرسد. بیماری اسهال، اسهال خونی بیماری رایج کودکان است. چند مورد وبا نیز در این مدارس دیده شده است. حدود ۴ هزار نفر در این مدارس ساکن هستند.

۵- محله ۷۰۷ دستگاه: این محله بوسیله ۴۰۰۰ نفر از آوارگان به تصرف درآمده است اینجا دور از شهر است و علاوه بر مشکل آذوقه، مشکل سوخت نیز دارند. از نظر بهداشتی، این محله از وضع بهتری برخوردار است چون خانه ها سرویس کامل دارند.

۶- نایت کلاب: ۱۵۰ نفر در نایت کلاب که در دوره قیام به آتش کشیده شده و بسیار کشیف و غیر بهداشتی است ساکن هستند.

۸- پاساژ: این پاساژ در گذشته محل دفاتر پیمانکارها و مقاطعه کارها بوده است که اکنون به تصرف آوارگان درآمده است و جمعا ۳۰۰ نفر در آن ساکن هستند. شستشوی ظروف و لباسها هم به وسیله شیرهای آبی انجام میگردد که در داخل محوطه پاساژ است و چون فاضلاب ندارد موجب جمع شدن آبهای کشیف و تجمع حشرات شده است. بوی تعفن ساکنان فاضلات، بهداشت زحمتکشان را به مخاطره انداخته است.

۹- سائیرجاها: بعد از بمباران قسمتی از سر بندر، تعداد زیادی از ساکنین و همچنین عده ای از آوارگان شهر را ترک کرده بودند و خانه های خالی آنها توسط آوارگان جدید تصرف شده است و حدود ۵ هزار نفر نیز در این خانه ها مستقر هستند.

اکثریت آوارگان این شهر را فقیرترین و زحمتکش ترین توده های خلق عرب تشکیل میدهند. روستائینی که قارسی را درست نمیدانند در بین آنان فراوان است. حکومتی که به توده ها اعتماد ندارد و آنها را مسلح نمیکند، زحمتکشان را ناگزیر میکند که خانه و کاشانه خود را رها کرده و آواره بیابانها شوند. آوارگان در انتظار بودند که دولت کمکهای نقدی و منسی بایسر زحمتکشان ایران را که برای آوارگان فرستاده بودند بطور عا دلانه تقسیم کند. آنها می دیدند که زحمتکشان سائیر نقاط ایران با ایثار تمام مایحتاج اساسی ضروری خود را از قبیل برنج، قند، شکر، خرما و پوشاک و بجهت ارسال به آوارگان تحویل ارگانهای دولتی میدهند. آنها می شنوند که انبارها مملو از مواد غذایی و مایحتاج بایسر آوارگان است. اما دولت نه تنها تاکنون احتیاجات اولیه آوارگان را مرتفع نکرده است، نه تنها کمکهای نقدی و منسی زحمتکشان کشور را به آوارگان نداده است بلکه مرتباً علیه جنگ زده ها تبلیغ و اقدام نیز نموده است. جیره غذایی کمپ را قطع کرده است. توزیع مواد غذایی در مساجد را تا مدتی متوقف کرده و اینک دوباره به اصطلاح

گاهگاهی چیزی در بین مردم تقسیم میکند مثلاً برای یک خانواده ۱۰ نفری ۲ کیلو آرد برای دو یا سه هفته داده میشود! البته تداوم آن نیز اغلب فراموش میشود تا دوباره صفهای طویل تشکیل شود و اعتراضات توده ها بالا بگیرد و مسئولین بیا در تقسیم مجدد بیا فتند. این ۲ کیلو برنج برای سه هفته، یک مشت چای، یک ملاقه کوچک روغن. این حداقل نیز پس از صفهای طولانی و پیس از مشاجرات مفصلی که بدلیل عدم توزیع عادلانه در میگیرد داده میشود. تا زگیها کوپن هائی برای مردم درست کرده اند و در آن برای هر نفر ۲ کیلو آرد برای یک ماه در نظر گرفته شده است!

از وقتیکه مسئله فرستادن اجباری آوارگان به شهرهای جیرفت و کرمان مطرح شده است فشار بروی توده ها چند برابر شده است. آنها بی کسسه سرپرستان خود را از دست داده اند و به گدایی و یا به کارهای خلاف عفت عمومی دست زده اند. چندین مورد فحشا دیده شده است و این پدیده خطرناک بدلیل گرسنگی، فقر و پائین بودن سطح آگاهی توده ها سرعت رو به رشد است. با نزدیک شدن زمستان مشکل توده ها برای تهیه سوخت افزایش خواهد یافت و تلفات جانی و بیما ریهها زیادتر خواهد شد. بیشتر اطفال با زیر پوش بسر میبرند. خانواده های زیادی را میتوان دید که چندین نفر با یک پتو شب را با لرز به صبح می رسانند.

سر بندر که در حالت عادی نیز از شرایط بهداشتی مناسبی برخوردار نبود اکنون دیگر از این نظر اسفبار و خطرناک شده است. در شهر فقط یک حمام وجود دارد و بجز از خانه ها بقیه مناطق مثل کمپ، چادرها، مدارس و... حمام ندارند. این مسئله باعث رشد بیما ریهها بخصوص در میان کودکان شده است. شهرداری قادر به جمع آوری زباله ها نیست. خیابانها را کثافت پر کرده است. بوی ادرار و مدفوع و آشغال در تمامی نقاطی که آوارگان اسکان یافته اند هوای آلوده کس کرده است. فاضل آب، لجن، تغالهای غذا اطراف منازل را پر کرده است. تجمع حشرات و مگسها غیر قابل تصور است. بیما ریهها سرعت شیوع پیدا میکند. اسهال، اسهال خونی، سرشوره، شپش زدگی، تراخم امراض جاری کودکان است. وبا نیز در چند مورد دیده شده است. یک بیما رستان و یک درمانگاه شهر نیز هیچ کاری نمیتوان بکند. با فرارسیدن زمستان باید در انتظار مرگ و میر کودکان باشیم.

مسئله انتقال آوارگان جمع زحمتکشان جنگ زده در شهرهای نزدیک بهم باعث پیوند این زحمتکشان و توده های شهری شده است و علی رغم تبلیغات مسموم کننده رژیم برای ضد انقلابی نشان دادن آوارگان و فراری خواندن آنها، اکثریت مردم آوارگان استقبال کرده و حتی در مواردی از جوق

بقیه در صفحه ۶

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم

پاسخ به سئوالات

رفیق سوال کرده است که دلیل تشکیل شورای دفاع چه بوده است و تاثیر آن بر تضادهای دو جناح اصلی حاکمه چگونه است؟

مساله تشکیل شورای عالی دفاع که علیرغم طرح آن در قانون اساسی، مدتسی پس از آغاز جنگ بین دولت های ایران و عراق در دستور کار دولت جمهوری اسلامی قرار گرفت، از جمله نمودهای بحران قدرت در "ارگان سازش" و تشا نه تشدید تضادهای درونی دو فراکسیون اصلی هیئت حاکمه است. بهمین لحاظ صدور فرمان تشکیل آن از جانب آیت الله خمینی بمثابه راه حلی جهت تخفیف تضادهای عرضه شد. جناح حزب جمهوری اسلامی از آغاز جنگ سعی نمود از طریق مجلس شورای اسلامی که در آن اکثریت را دارا است، واکنش و چون ارگان "قانونی" در خدمت وی عمل میکند، ابتکار عمل در جنگ را از دست بنی صدر خارج سازد، حزب برای نیل به این مقصود، به تلاشی ناموفق دست زد به طوری که حضور نمایندگان مجلس را در ستاد مشترک طرح نمود و در فسنجانی نیز در جلسه مجلس اعلام داشت که "ملحی ادا ما جنگ چیزی است که مجلس از آن برکنار نیست و بلکه در اختیار مجلس است"

(جمهوری اسلامی ۵۹/۷/۷)
لکن جوحا کم بر جا مغه و گسخرش جنگ مانع پیشبرد مقاصد و سیاستهای قدرت طلبانه حزب گردید و ارتش تحت فرماندهی فرمانده کل قوا و ارتشیان حامی این فرمانده! همچنان بکه تا ز صحنه نبرد باقی ماند و کشمکش بر سر کسب قدرت برتر بین دو جناح در جریان جنگ روبه فزونی گذاشت و مساله تشکیل شورای عالی دفاع مطرح شد. ترکیب شورای انفع حزب جمهوری اسلامی است: یک نماینده ثابت از مجلس که ناظر بر امر جنگ خواهد بود، بعلاوه دو نماینده مجلس که یکی از آنها رئیس مجلس است در غیاب خامنه‌ای و عمران که اعضای ثابت شورا میباشند حضور خواهند یافت اگر چنانچه و پرورش رانیز از معتمدین حزب بیدا نیم در مجموع میتوان گفت حزب از امتیازاتی برخوردار است چرا که از نظر کمی، اکثریت را دارا است و میتواند علاوه بر اکثریت، بر مسائل دیگر نیز اعمال نظر نماید، چه بر اساس همین فرمان تبلیغات و سیاست خارجی در زمان جنگ، و انتشار کلیه بیانیها و... بعهد این شورا گذاشته شده است، خصوصاً آنکه شورا "موظف است که در مناطقی جنگی نمایندگان تعیین نماید که بوسیله آنها امور انجام گیرد و موجب تاخیر نشود" (ماده ۸ فرمان تشکیل شورا)

بدین ترتیب حزب با برخورداری از اکثریت آراء خشنود از این فرمان، وارد شورای عالی دفاع میگردد و سعی میکند بر کل امور نظارت کند و در رویدادهای و در سیر تحولات جنگ، سیاست خویش را پیشش ببرد.

و در همین حاست که فسنجانی که گوئی دژ مستحکمی را فتح کرده اظها میدهد: "نماینده مجلس در آنجا بعنوان یک عضو صاحب رای خواهد بود" و حتی در مصاحبه ای در پاسخ سوال خبرنگاری مبنی بر اینکه "آیا این درست است که آقای رئیس جمهور دیگر تنها مسؤول و رئیس ارتش نیست؟" جواب میدهد: "جنگ را الان باید شورای عالی دفاع اداره کند".

(انقلاب اسلامی ۵۹/۷/۲۲)
اما قبول تشکیل شورای عالی دفاع از جانب بنی صدر و فرماندهان ارتش نه از آن روست که قدرت را به حزب بسپارند و یا آنها را در قدرت سهیم کنند، بلکه فقط بدین جهت است که همچون گذشته با رسائی ها را بگردن شبوه های حکومتی حزب بپردازند و بگردن بنی صدر و جناحش همچنان سعی دارند شورا را زیر سلطه خود و در همان شکل و پوشش نظامی حفظ نمایند و معتقدند شورا با دیدن آنها به یک ارگان پشت جبهه عمل کند.

بنی صدر در سخنانش پس از تشکیل نخستین جلسه شورا یعنی دفاع اعلام میدارد: "باید روی طرح نظامی پیش رفت" وی میگوید "اصرار من کسانیکه تخصص ندارند این است که اطلاعاتی که دریافت میکنند بدون اظها ر نظر بمقامات مسؤول نظامی منتقل کنند و راجع به جبهه های جنگ اظها ر نظر نکنند." و فلاحی و فکوری نیز هر یک بنحوی نقش برتری نظامیان را بر شورا مطرح میکنند.

فلاحی میگوید: "آنچه مسلم است حضور شورا در طرح ریزی و نظارت و هماهنگی و بویژه هماهنگی نیروهای مردمی در منطقه یک امر ضروری است و من حضور شورا را بر اساس این اصل که نظارت مستقیم و هماهنگی و همکاری نیروهای مختلف مردمی در منطقه را تأمین میکند، بسیار ضروری و مفید میدانم". فکوری وزیر دفاع، در تالیبی دیگر همین اعتقاد را بیان میدارد: "شورا در جهت هماهنگی خط مشی ها چه از نظر دفاعی و چه از نظر تبلیغاتی تصمیماتی خواهد گرفت".

(انقلاب اسلامی ۵۹/۷/۲۲)
حزب نا توان در اعمال حاکمیت بر شورای عالی دفاع و از آنجا که بی بیند "شورا در کیفیت جنگ دخالت نداشته و فقط در مورد آئین نامه ها بحث کرده".

(رجائی ۵۹/۸/۱۲ جمهوری اسلامی)

و نیز "تا بحال هنوز و اتعیت این است که شورای عالی دفاع در تشکیل جدیدش هنوز بمسائل جدی نرسیده که عمیقاً دخالت کند و نظریه دهد" (فسنجانی مصاحبه با صدا و سیمای جمهوری اسلامی مندرج در روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۳ آبانماه)

رجائی در تارریخ دوازدهم آبان طلسمه شورا را بدون حضور اعضای جناح دیگر در تهران تشکیل میدهد تا شاید بتواند بدین طریق حضور سیاسی خویش را در مسائلی جاری مربوط به جنگ تثبیت کند و از این طریق توده ها را بسمت خود جلب نماید که با اعتراض شدید جناح بنی صدر و حامیانش مواجه میگردد و عدم رسمیت جلسه بدلیل عدم حضور اکثریت اعضای شورا اعلام میگردد و خامنه ای در پاسخ میگوید "اگر منظور از "مطلعین" که جلسه را بدون حضور آنان بی معنی کرده اند، نظامیان باشند، لازم است یادآوری شود که مسئولیتهای شورای عالی دفاع در اتخاذ تدابیر نظامی، غلاصه نمیشود" اکنون بخوبی روشن است داشتن اکثریت آرا در شورای عالی دفاع نتوانسته نقش برتری را در امور مربوط به جنگ برای حزب با رمغان آورد و بنی صدر با حضور در جبهه جنگ نتوانسته ابتکار عمل را بدست گرفته و خود را مدافع سرسخت دفاع از میهن قلمداد نماید.

اگر تضادهای آشکار دولت موقت با زرگان و حزب توانست بطور موقت در درون شورای انقلاب و با حضور بازرگان در آن شورا شکل پنهانی بخود بگیرد و تضادهای را از نظر توده ها پوشیده دارد، شورا یعنی دفاع نه تنها قادر به تخفیف بحران سیاسی درون هیئت حاکمه نیست بلکه حتی توان پوشاندن تضادهای توده ها را نیز ندارد. اما اینکه جناح حزب ولیبرالها هر یک برای کسب رهبری جنگ تلاش میکنند تنها دلیل تلاش دو جناح برای کسب قدرت برتر در ارگان های قدرت دولتی است و مکتبی بودن یکی و نظم خواهی دیگری نه بخاطر توده ها و آسایش و رفاه آنها که تنها بخاطر سود جوئی، سرمایه داران و غارت و استثمای زهر جبهه بیشتر توده ها زحمتکش و خلتهای تحت ستم میهنان است.

توضیح و پوزش

چاپ دنباله مطلب (دربارهٔ تبلیغ و نقش آن) بعلمت تراکم مطالب در این شماره ممکن نشد، بقیه این مطلب در شماره آینده درج خواهد شد.

قابل توجه هواداران و سایر نیروهای انقلابی

اخیرا مشاهده شده که تعدادی عناصر مشکوک و وابسته به رژیم در میدان ولی عصر اول خیابان بولوار کشاورز ضلع شمالی آن با دایر کردن بساط فروش کتاب و روزنامه، سعی دارند با هواداران سازمان ارتباط برقرار نمایند و چنین وانمود می‌کنند که با سازمان مرتبط هستند. علاوه بر خوردهای غیر اصولی و لمپنی هدف بدنام کردن نیروهای انقلابی کمونیست را دنبال می‌کنند. این عناصر با نامهای کیومرث مخید، جواد و... خود را معرفی می‌کنند. لازم است رفقای که بنوعی با این افراد ارتباط داشته‌اند تدابیر امنیتی لازم را بگیرند.

سازمان از این تاریخ به تمام ساواکیها، باندهای سیاه و جاسوسان تازه کاری که با نام سازمان سعی دارند نیروهای انقلابی را شناسائی نمایند هشدار میدهد که هرگونه توطئه بر علیه سازمان بدون جواب نخواهد ماند. همه هواداران و سایر نیروهای انقلابی می‌خواهد که بمقابله جدی با اینگونه عناصر بپردازند.

خود و حزبشان برای توده‌های زحمتکش بیش از پیش افشا شده است. تمام بندگان "دمکراسی انقلابی" بدانند (و خاصا نه از آنها می‌خواهند که دست از "انحصار طلبی" و "تنگ نظری" خود بردارند. یعنی لیبرال رفرمیستهای تازه بدوران رسیده راهم به بازی بگیرند)، و از سوئی دیگر بر سر بنی صدر لیبرال بنام "دمکرات" و مدافع "استقلال و آزادی" آب تپه بریزند. بدین طریق است که آنها در عمل به لیبرالها خدمت میکنند. پیگیری کمونیست‌ها در مبارزه بخاطر دمکراسی و آزادیهای سیاسی و علیه سیاستهای سرکوب و اختناق و سلب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی توده‌ها نه تنها با فشا و یزوله شدن لیبرالها و لیبرال رفرمیستهای "کپیته مرکزی" منجر خواهد شد بلکه دمکراتهای انقلابی نظیر مجاهدین خلق را بیش از پیش بسوی دمکراتیسم انقلابی سوق خواهد داد. دوم آن در غلتیدن آنها موضع لیبرالی خواهد شد که کمتر شاهد موضع گیریهای چون موضع گیری کاملاً مخدوش مجاهدین خلق در قبال دستگیری قطب زاده و نیز حمایت ضمنی آنها از بنی صدر باشیم. موضعی که منجر به مخدوش شدن خط و مرز میان دمکراتیسم و لیبرالیسم شده است، موضعی که ابدا نمیتواند مورد تأیید نیروهای انقلابی باشد. با اعتقاد ما در شرایط کنونی کمونیستها موظفند ضمن مبارزه با سیاستهای سرکوبگرانه حزب جمهوری اسلامی، فریب کاریها و آزادیخواهی دروغین لیبرالها را هر چه وسیع تر افشا کنند.

را بسوی خود جلب نمایند، یکی از وظایف بس مهم کمونیستهای ایران، افشای لیبرالهای ضد انقلابی و افشای آزادیخواهی دروغین آنهاست.

باید به توده‌ها توضیح داد که لیبرالها نیز خائن به خلقند و منافع اقتصادی و سیاسی آنها با امپریالیسم گره خورده است و "آزادیخواهی" لیبرالها بمعنی آزادی خیانت است.

اما باید در نظر داشت که ما هنگامی در افشای واقعی لیبرالها و شعارهای آنها و نیز ممنوع کردن لیبرالها موفق خواهیم بود که پیگیرانه علیه سیاستهای سرکوبگرانه حاکمیت و نقض صریح حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی توده‌ها پیشقدم باشیم و مبارزه کنیم. تنها با یکجبین سیاسی است که نه تنها لیبرالها و شعارهای دروغین آنها را افشا میکنیم و آنها را در عمل خلع سلاح مینمائیم بلکه پادوهای بی جیره و مواجب هیئت حاکمه را نیز که در زیر پرچم دروغین مبارزه با لیبرالیسم به بورژوازی خدمت میکنند افشا خواهیم کرد. اپورتونیستهای "کپیته مرکزی" با یزد لیبرالی خود عملا به لیبرالها خدمت میکنند. آنها از یکسوی پشتیبانی و تأیید و حمایت بخشی از نمایندگان سیاسی بورژوازی که بنقض آشکار و صریح دمکراسی تمایل دارند و میکوشند با زور سرنیزه، باندهای سیاه و سرکوب آشکار، حقوق و آزادیهای سیاسی توده‌ها را سلب کند، توده‌ها را بسوی لیبرالها سوق میدهد و از سوی دیگر با حمایت از بنی صدر، موضع لیبرالها را تقویت میکنند.

آنها بنی صدر لیبرال را "دمکرات"، مدافع "آزادی و استقلال"، بتوده‌ها معرفی میکنند. اما چه کسی است که نداند بنی صدر، این "دمکرات" مدافع "آزادی و استقلال" مدافع بازسازی و ترمیم سیستم سرمایه داری وابسته، مدافع پر حرارت بازسازی و تجهیز "ارتش شاهنشاهی" حامی کودتاچیان مزدور، مدافع تجدید روابط گسترده با امپریالیسم، دشمن شوراها و کارگران، دهقانان و پرسنل انقلابی ارتش، وهمان کسی است که در پایمال کردن حقوق و آزادیهای سیاسی توده‌ها و سرکوب خلقهای کرد و ترکمن، شریک و متحد حزب جمهوری اسلامی است. بنی صدر "دمکرات" ادعائی این قایان کسی است که از جنبش توده‌ها هر اس‌دارد و امروزه حلقه اتحالی برای گردآوری طیف وسیعی از لیبرالها و نمایندگان سرمایه‌های بزرگ تبدیل شده است و در پشت سرا و از بارزگان گرفته تا قطب زاده و ژنرالهای مزدور رژیم شاه سگر گرفته‌اند. اپورتونیستهای "کپیته مرکزی" این شیفتگان فعالیت قانونی که همواره بدنبال کسب اجازه فعالیت علنی از هر راه و به هر طریق هستند، و از آنجا که از تحلیل چشم انداز قدرت گیری جناحهای حاکمه عاجزند، ناگزیرند بین دو جناح قدرت نوسان مداوم داشته باشند. بنا بر این طبیعی است که از سوئی آقایان بهشتی و رفسنجانی "ایر دشمنان دمکراتهای انقلابی" را که اکنون ماهیت

لیبرالها، پرچمداران دروغین آزادی

کمال "آزادی" غارت و چپاول و استثمار خود را ادامه دهد و تولید را تا بتواند بالا برد. آیا بهترینست توده‌ها بپذیرند که انقلاب برای مادیت خشن، برای بهبود وضع اقتصادی، برای تأمین کار و مسکن، برای تهیه حداقل وسایل معیشتی نبوده است، تا ما بتوانیم "آزادانه" فریب را بجای نان و کار و مسکن و تمام خواستهای "مادی" توده‌ها بخورد آنها بدهیم. بنی صدر که خود بعنوان رئیس قوه مجریه در دستگیری صدها و هزاران نفر از نیروهای مبارز و مترقی دست دارد و در مقابل این اعمال حتی کلمه‌ای نیز سخن نمی‌گوید، در قبال دستگیری مزدوری چون قطب زاده فریاد "آزادیخواهی" سر می‌دهد. او آزادی را برای وابستگان و حامیان امپریالیسم می‌خواهد. بنی صدر که خود بعنوان رئیس جمهور و هماهنگ کننده سه قوا در یورش به تمام آزادیهای دمکراتیک و توقیف و سرکوب تمام نشریات مترقی دست دارد، اینک در

مقابل حمله به روزنامه میزان خواهان "آزادی مطبوعات" گشته است. بنی صدر آزادی را برای سرمایه داران و حامیان آنها می‌خواهد.

در اینجا روشن میشود که بنی صدر نیز "آزادی" را برای مزدوران امپریالیسم سرمایه داران وابسته و حامیان آنها می‌خواهد و منظور او از آزادی همانا آزادی استثمار و غارت و چپاول کارگران و زحمتکشان، آزادی سرکوب و کشتار خلقها و آزادی بسط و گسترش و تحکیم روابط با امپریالیستهاست. اما اینک چه شده است که بازرگان آزادیخواه گشته قطب زاده بر ضد سوراختن سخن می‌گوید و فریاد آزادی و دمکراسی زنگلوی بنی صدر خراج میشود؟ لیبرالها و عناصر سرسپرده‌ای چون قطب زاده، با زیرکی تمام پی برده‌اند که سیاستهای ضد دمکراتیک حاکمیت، سرکوب، خفقان و اختناق موجود، چگونه بسرعت توده‌ها را از جمهوری اسلامی جدا میسازد و توهّم آنان را می‌زداید و بهمین علت است که اینان قصد دارند با شعارهای دروغین آزادیخواهی یا حرکات فریبکارانه‌ای بر ضد سانسور، شکنجه و سرکوب و اختناق در عین لاپوشانی ما هیئت ضد خلقی و سرکوبگرانه نشان مردم را بسوی خود جلب نموده، در راه اهداف ضد مردمیشان از آنان سوء استفاده کنند. "لیبرالهای" خواهند توده‌ها را چون وسیله‌ای در جهت مقابله خود با حزب بر سر قدرت بکار گیرند.

در این شرایط که لیبرالها می‌خواهند با پنهان شدن در پس شعارهای آزادیخواهانه و اعمال سیاستهای فریبکارانه توده‌ها

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

عوامفریبی حاکمه هیات

بقیه از صفحه ۱
حق از جانب توده‌های مردم همیشه با همین عنوانها و عوام‌فریبی‌ها پوشیده شده است. با هنر و زیرآب آموزش و پرورش ۱۹ آذر در مجلس میگوید "درگیری‌های اخیر مدارس از عینا صرنا با بی‌استی که هنوز وجود دارند" و در توضیح **بچه‌ها** صرنا باب تا کیدا در دبر اینک "عده‌ای جوات کرده‌اند، اعلامیه‌های سرتا پسا فحش و تهمت پخش کنند و دوبیدا دکه آقا ما آزاد هستیم. خوب بچه‌های ما هم تحمل اینکار را ندارند و ما هم میگوئیم سعی کنید محیط آرام باشد" بنا بر این مبارزه دانش آموزان انقلابی برای شکستن جواختناق ناشی از سیاستهای ضدانقلابی دولت را داد و پیدا د قلمدا می‌کنند و طرح‌خواسته‌های بروق شان از قبیل: تشکیل شورای واقعی در مدارس، تکسیل کتابخانه، بازگشت معلمین انقلابی (که در کنار اخراج ساواکی‌ها و رستاخیزی‌ها آنان را به بهانه‌چپ نما، فدایی، منافق اخراج، تبعید و بازنشسته کرده‌اند) و نیز اعتراض با اخراج دانش آموزان - فعال انقلابی فحش و ناسزا تلقی می‌گردند. اکنون در مدارس مسئولین امورتربیتی که نقش جاسوس و مفتش را بازی می‌کنند به اتفاق انجمنهای اسلامی مدارس، که شاهدگسترش مبارزات دانش آموزان برای آزادی فعالیت‌های دمکراتیک در مدارس می‌باشند سعی در تشدید جواختناق در مدارس دارند و به شیوه‌های مختلف از فعالیت‌های دمکراتیک دانش آموزان جلوگیری می‌کنند و همین‌ها هستند تکیه - گاه وزیر آموزش و پرورش که میگوید، **بچه‌های ما** باید محیط آرام کنند. در مورد همین اعتراضات مسئول امورتربیتی یکی از نواحی گفت "این حرکت در رابطه با شکست عراق در جنگ است و آمریکا میخواهد در جبهه داخلی تفرقه بیندازد" در اینجا این مسئول امورتربیتی نا حیه مبارزات و اعتراضات دانش آموزی را کارا آمریکا میدانند ولی کمی بعد اضافه می‌کنند که "اصولا" دانش آموزان باید بدانند که مدارس جای فعالیت سیاسی نیست و فقط از طریق امورتربیتی میتواننند آموزش سیاسی ببینند. و درجایی دیگر میگوید "عده‌ای از دانش آموزان که اخراج شده اند بخاطر عدم رعایت تعهدنامه‌ای بوده است که در موقع ثبت نام داده بودند و جرم آنها فروش نشریات غیرقانونی بی‌نضباطی و عدم حضور در کلاس میباشد" حال معلوم میشود که اعتراضات و مبارزات دانش آموزی نه کارا آمریکا و نه مربوط به عینا صرنا باب بلکه اینها همه بهانه است برای جلوگیری از فعالیت دمکراتیک و

طرح خواسته‌های انقلابی دانش آموزان و در مورد دانش آموزان فعال انقلابی که اخراج شده‌اند میگوید "اینها میتوانند در مدارس دیگر شیت نام کنند و آنجا زیر کنترل خواهند بود" (انقلاب اسلامی ۱۷ آذر)
روشن است که کنترل اینان توسط عناصر امورتربیتی (بخوان جاسوسان آموزش و پرورش) و انجمنهای اسلامی در مدارس است. جایی که نتوانند حتی با اخراج برخی دانش آموزان در سرکوب مبارزات آنان موفق شوند کل مدارس را تعطیل میکنند که در استان لرستان نمونه بارز آن است و برخی را تهدید به تعطیل می‌کنند مثلاً صمی - انوشیروان - معلم - جاویدان - آزادگان در تهران این عوام‌فریبی‌ها را داده‌اند در دورژیم در هر اس از گسترش مبارزات دانش آموزی به تمام بلندگوهای خود متوسل می‌شود.

خامنه‌ای در نماز جمعه ۲۱ آذر ماه در همین زمینه میگوید "این پروژها در مدارس ضد انقلاب راه افتاده است و دشمن عده‌ای را می‌فرستد به داخل مدارس تا آشوب و بلبوا کنند و کلاسها را بهم بریزند با شعارهای بسیار کم اهمیت چرا این معلم رفت چرا آن معلم آمد چرا این درس اینطور شد" بله، این خواسته‌های دمکراتیک که چرا معلمین انقلابی و دانش آموزان فعال انقلابی اخراج کرده‌اند، چرا جلوی فعالیت دمکراتیک را برای تشکیل شوراهای واقعی در مدارس و ایجاد کتابخانه‌ها را گرفته‌اند و اینکه اداره مدرسه نباید در دست مدیران مرتجع و مسئولین امورتربیتی مفتش قرار داشته باشد، همه اینها شعارهای بسیار کم اهمیت است و دشمن فرستاده تا اینجا دلبوا و آشوب شود. مدافعان سرمایه‌داران و استثمارگران یکی از شیوه‌هایشان همواره تحمیق مردم و عوام‌فریبی بوده است. حکومت مدافع سرمایه‌داران نمی‌تواند بدون دروغ و ریا حکومت کند و سرکوب مردم را نیز هرگز فراموش نمی‌کند. واقعیت این است که سیاستهای رژیم در مورد گسترش جواختناق در مدارس با شکست روبرو شده است و مسئولین امور تربیتی و انجمنهای اسلامی در اقلیت هستند و بگفته روزنامه جمهوری اسلامی "مقصرتما ما اعتشاشات دبیرستان خوارزمی، مجموعه‌ای است بنا به مشورای دانش آموزی که مشتکی منافق و فداشی و چپی و راستی و... در آن رخنه کرده و از ورود دانش آموزان معتقد و مذهبی به داخل شورا جلوگیری می‌کنند" (۲۵ آذر)
همچنین روزنامه جمهوری اسلامی ناآرامی‌های مدارس را کار "عوام‌ملستون پنجم"، "اعتشاش کنندگان"، "توطئه گران" و غیره دانسته است. و "لیبرالها" در روزنامه‌ها ایشان ضمن اشاره به مسائل دانش آموزی اخیر خواسته‌اند با انعکاس اخبار و مطالب، عوام‌فریبانه خود را طرفدار آزادی، بیان و بحث آزاد جا بزنند و با اصطلاح "درگیریهای اخیر

مدارس" را بصورتی جلوه دهند که حزب جمهوری اسلامی میخواهد مدارس را به تعطیلی کشاند. و با شعارها زکشاکی دانشگاہها و آزادی‌بیا در مدارس رقیب را عقب براند و کلی دانش آموزان آگاه و انقلابی ضمن حفظ وحدت عملشان باید سیاستهای ضدانقلابی حاکمیت را بر ملا و افشاء کرده و قاطعانه از تعطیلی مدارس جلوگیری نماید و بطور فشرده و یکپارچه علیه جواختناق در مدارس به مبارزه بپردازد و با تشکیل و حفظ شوراهای واقعی مدارس خواسته‌های دمکراتیک و برحق خود را مطالبه نماید. رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند با عوام‌فریبی‌ها، دروغ‌پردا زیبا و دفاع از قانون اساسی و هرگونه فریب و تهدید جلوی اعتراضات و مبارزات برحق دانش آموزان و معلمین انقلابی میهنمان را سد کند. تنها مبارزات و مقابلهت یکپارچه دانش آموزان انقلابی در پیوند با سایر اقشار خلق است که موجب شکستن جواختناق در مدارس و بطور کلی در جامعه خواهد بود.

منتشر شد



۴ مقاله از نین

۱- انحلال طلبان افشاء میشوند

۲- مبارزه برای مارکسیسم

۳- از سخنرانی در اولین کنگره سوسیالیستی درباره آموزش و پرورش (۱۳۱۸) ۱۳۱۸

۴- سخنرانی در دومین کنگره سوسیالیستی معلمان اتزان سونال (۱۳۱۸) ۱۳۱۸

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



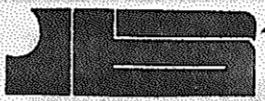
بحران انقلابی

و

دو خط مشی در انقلاب

و.ای. نین

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



اعتراض دانش آموزان علیه سیاست‌های هیئت حاکمه در مدارس

مردم و غیره را بی‌آورد و ده‌ها است. حاکمیت که خود را حافظ منافع توده‌ها و انصاف می‌داند در دست در چپین شرایطی دست به تعطیل مدارس و اخراج و تصفیه دانش آموزان مبارز و انقلابی می‌زند.

دانش آموزان مبارز و انقلابی! در چند روز اخیر شاهدان حلال چندین مدرسه از جمله دبیرستان آزادگان بوده ایم. در این دبیرستان هنگامی که مسئولان امر دست به اخراج دانش آموزان انقلابی و آگاه زدند با فریاد اعتراض صدها تن دیگر از دانش آموزان انقلابی روبرو گشتند. مدیر دبیرستان که از اعتراضات بحق دانش آموزان به هراس افتاده بود رو با صفات خود را کنار کشید و دانش آموزان را برای گرفتن پرونده‌های خود به آموزش و پرورش شهر ری فرستاد. اما این توطئه به اینجا ختم نشده و هنگام ورود محصلین به محوطه آموزش و پرورش یکی از مزدوران با گرفتن عکس از دانش آموزان یکی دیگر از روشهای ساواک شاهنشاهی را با خاطر آورد. زمانی که محصلین با فریاد اعتراض برای گرفتن دوربین داخل دفتر رئیس رفتند پسرک مزدور با کمال بیشرمی چاقوی خود را به روی دانش آموزان کشیده و با مشت و لگد به جان آنها افتاد و از طرف دیگر مسئول آموزشی (ملکی) به کمیته و شهر با نی تلفن زده و در عرض ۵ دقیقه ساختمان آموزش و پرورش پر از زپا سدا روپا سبان گردید. حالاً در همین زمان مادرانی که همراه بچه‌ها آمده بودند از این حرکات بشدت ناراحت شده و می‌گفتند در زمان شاه بچه‌ها را اخراج می‌کردند و می‌زدند و می‌کشتند خلاصه به ما ظلم می‌کردند و حالا هم شما دولت‌مندان دست نظام آریا مهتری را از پشت بسته و حتی از عناصر چاقو کش هم در محل آموزش و پرورش برای سرکوب فرزندان ما استفاده می‌کنید چرا بعد از هفتاد هزار کشته‌ای که دادیم باز هم با بدین چنین وضعی راداشته باشیم.

راستی کمیته‌چی‌ها و شهر با نی برای گرفتن چه کسانی به محل آموزش و پرورش رفتند؟ مگر دانش آموزان چه مسائلی را مطرح کرده‌اند که روسای آموزش و پرورش تا بحد مرگ ترسیده‌اند؟ چرا نمی‌گویند که دانش آموزان مبارز و انقلابی از شورا های واقعی و آزادی فعالیت سیاسی در مدارس دفاع می‌کنند، به اخراج محصلین و دانش آموزان انقلابی اعتراض می‌کنند! اینجا دجواختناق توسط انجمن‌های اسلامی را محکوم می‌کنند.

● رژیم جمهوری اسلامی که از فعالیت های آگاه‌ها گرانده دانش آموزان سخت‌در هراس است، مدارس شهر در و دلرستان را بمدت دو ماه تعطیل کرد ولی زیر فشار توده‌ها و و پس از آنکه معلمان انقلابی و مترقی را اخراج کردند و نیز بعد از گرفتن تعهدنامه از دانش آموزان، مبنی بر عدم فعالیت‌های سیاسی، مجدداً مدارس را گشود.

موج مبارزات اعتراضی دانش آموزان علیه اختناق که هیئت حاکمه می‌خواهد بر مدارس حاکم کند، هر روز گسترش می‌یابد و در اکثر مدارس تهران و شهرستانها، حتی در گریه‌های بی‌نیروهای مترقی و انقلابی از یکسو و نیروهای ارتجاعی وابسته به حزب جمهوری و پاسداران از طرف دیگر رخ داده است. علاوه بر چند مورد شکستگی گردن و کمر و جمجمه، دو مورد نیز دانش آموزان در این درگیری‌ها شهید شده‌اند. با اینهمه اخراج دانش آموزان مبارز همچنان ادامه دارد. بعنوان نمونه خلاصه چند خبر مربوط به مسائل دانش آموزان را می‌خوانید.

● دانش آموزان دبیرستان نرانی عجب- شیر در روز چهارم آذر دست به یک حرکت اعتراضی می‌زنند و خواستار بازگشت دوتن از معلمین اخراجی خود و یکسره شدن دبیرستان می‌کنند. گروهی از دانش آموزان این دبیرستان با دید به کار کشا و رزی نیز به پرداخت زندان زندگی خود و خانواده‌شان را تا مین کنند، آنها خواستار یکسره شدن دبیرستان هستند تا بتوانند به کار کشا و رزی نیز برسند. مدیر ضمن مخالفت با این خواسته دانش آموزان دست به تهدید آنها می‌زند. اعتصاب چهار روز طول میکشد روز هشتم آذر، اطلاعیه‌ای مبنی بر اخراج هفت نفر از دانش آموزان مبارز صادر میشود. موج اعتراض دانش آموزان بالا می‌گیرد، مدیر دانش آموزان اخراجی را به دفتر می‌برد، در آنجا اعضای شورای دبیران، نماینده سپاه پاسداران و بخشدار عجب شیر حضور دارند، در آنجا به دانش آموزان می‌گویند موضوع این است که شما ها! سازمان چریک‌های فدائی خلق و مجاهدین خلق طرفداری کرده و خلق کرد در این انقلابی معرفی می‌کنید شما ها! علامیه و روزنامه بین دانش آموزان پخش می‌کنید و ... دانش آموزان آگاه که آزادی فعالیت های سیاسی را یکی از دستاوردهای قیام خونین خلق میدانند در جواب می‌گویند مدرسه یک محیط آزاد است و فعالیت سیاسی هم باید آزاد باشد.

● در دبیرستان آزادگان واقع در گوی سیزده آبان (نهم آبان سابق) درگیری بر سر مقاله‌های شاهزاده‌آذر ایجاد شد. روزها نزدیکاً مور تربیتی مدرسه اطلاعیه‌ای صادر کرد مبنی بر اینکه هر کس فعالیت سیاسی کند به اخراج محکوم میشود. بعد از جریانات بسیار پنج نفر از دانش آموزان با اخراج محکوم شدند. از اینجای ما چرا را با نقل قسمتی از اعلامیه دانش آموزان پیشگام دبیرستان آزادگان دنبال می‌کنیم:

در شرایطی که با جنگ خانمان براندازی که توسط دولت‌های ایران و عراق به زحمتکشانی ایران و عراق تحصیل شده است روبرو هستیم و دانش آموزان در غرب و جنوب کشور از خانه و کاشانه خود آواره گشته و زیر بمباران قرار گرفته‌اند و جنگ غیر عادلانه مشکلات و مصائب فراوانی از جمله کمبود رزاق عمومی کمبود نفت و بنزین بخا موشی‌های شبانه، بمبارانهای هوایی بی‌خانمان شدن بسیاری از توده‌های زحمتکش در مناطق جنگ زده، گشته شدن توده‌های

دانش آموزان دبیرستان پروین اعتصامی این شهر، از روزگشا پیش مد اگرس دست به ورزش جمعی زدند و مدیر هم از فردای هما نروز با بستن در مدرسه تا ساعت هشت، عکس العمل نشان داد با ادامه ورزش جمعی دانش آموزان در خیابان، مدیر دوتن را اخراج کرد ولی با مقاومت و تحصن سا بید دانش آموزان روبرو شد. بعد از چند روز دانش آموزان برای جلوگیری از تفرقه اندازی و دخالت پاسداران، تصمیم گرفتند به کلاس بروند و اعتراض خود را بصورت اعتصاب های مقطعی ادامه دهند اما همان روز دو با صلاح دانش آموز عضو بسیج بنامهای آسیه و اشرف ساکنی، با تحریک مدیر و ناظم مدرسه، با چاقو و زنجیر به متحصنین حمله و عده‌ای را مضر و مجروح کردند. دانش آموزان پیشگام درود ضمن اعلامیه‌ای که در ۱۵ آذر منتشر کردند نوشتند:

ما دانش آموزان پیشگام ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه
۱- خواهان بازگشت بدون قید و شرط دو دانش آموز اخراجی به مدرسه می‌باشیم.

۲- خواستار مجازات مسببین و عاملین حمله به دانش آموزان دبیرستان پروین اعتصامی و جلوگیری از تکرار این اعمال وحشیانه هستیم.

۳- هر نوع تضییح حقوق صنفی- سیاسی دانش آموزان را محکوم و خواستار رعایت این حقوق از جانب مسئولان آموزش و پرورش می‌باشیم.

۴- اخراج معلمین آگاه و مترقی را محکوم و ضمن حمایت از مبارزه به حق آنان خواهان بازگشت آنان بکار می‌باشیم. در پایان از کلیه دانش آموزان هوا دار می‌خواهیم که با تمام توان خویش در جهت افشای سیاست‌های حاکمیت که اهدافی چون بستن مدارس، اخراج نیروهای انقلابی از مدارس و ایجاد فضای اختناق و تفتیش عقاید را دنبال میکند هر چه وسیع‌تر تلاش و ورزشند.

● جوانان انقلابی رضوان شهر و حومه نیز طی اعلامیه‌ای بتاریخ چهاردهم آذر به جریاناتی که در مدارس و بخصوص در شهر خودشان می‌گذرد اشاره کرده و مینویسد: "با توجه به اوضاع خطرناک کنونی و دستگیری چند نفر از دانش آموزان و مبارزین انقلابی رضوان شهر و حومه که چند روز است موجب اوجگیری مبارزات دانش آموزان و تعطیل مدارس گشته است، توجه دانش آموزان انقلابی را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

۱- با توجه به شرایط حساس کنونی و ریزش توهم توده‌ها نسبت به حاکمیت، به افشای کل هیات حاکمه و بورژوازی لیبرال مکار که می‌کوشد مبارزات توده‌ها را به انحراف بکشد، بپردازند.

۲- با وحدت انقلابی و رزمندگانه نیروهای ضدا مپریا لیست - دمکرات، صف نیروهای انقلاب را تقویت و اپورتونیس را درهمه اشکال آن، افشاء کنند.

۳- با طرح شعارهایی از قبیل: "زندانی سیاسی آزاد بیدگردد" - "ساواک‌های مدارس منحل بیدگردد" "شوراهای واقعی تشکیل بیدگردد" - "آزادی سیاسی حق مسلم ما است".

صبح تیرباران ناگهان ...

بقیه از صفحه ۱۶

رفیق همایون، منتظر لحظه تیرباران چند ساعت در بندمانند، رفیق در این ساعت ها، با رفتن انقلابی، تا توانست زندان را به حال و هوای معمول بازگرداند، با همبندان گفت و گو کرد. صدایش با آهنگی دلپذیر هوای خفه بند را می لرزاند. بسا دگی یک زنبور شده انقلابی بر می خاست. گام بر می داشت می نشست. هر حرف و هر حرکت همایون چون کار در چشم و در قلب دشمنان می نشست. دشمن همایون را به بند باز گردانده بود تا روحیه یک انقلابی و روحیه زندان را در هم شکنند اما رفیق همایون قلب تمام زندان را با رفتن انقلابی به آتش کشید و دشمن را خوار و در هم شکسته بر جای نهاد.

پاسداران دوباره آمدند... و رفیق همایون را بردند. رفیق همایون دلورانه، با همان گام ها و با همان لبخندی که از راه های شکستناپذیر پرتو گرفته بود، از بند رفت...

نگاه زندان به خیاط دوخته شد. رفیق در خیاط زندان، در جایگاه تیرباران، با تکانی تند و انقلابی، گذاشت چشمانش را ببندد و صدا ییش مثل رعد در زندان پیچید؛ مرگ بر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا و پیانگه دا خلیش...
رفیق، در برابر جوخه آتش ایستاده بود و هنوز گلوله های جنایت و سرمایه بر سینه پرشورش نباریده بود که دیگر بار طنین صدایش با آهنگی پر شکوه، خاموشی خیاط زندان را در هم شکست:
"ای پرچمدارستمکشان دشمن را بر خاک و خون نشان...

و بدینگونه ایستاد و خون جوانش ستاره سرخ آرمان کارگران شد.
رفیق شهید، علیرضا همایون پریزاده، دانشجوی دانشکده اقتصاد اهواز بود.

رفقای شاخه لرستان از رفیق بعنوان مبارزی منضبط پرشور و شجاع و پیگیر یاد می کنند.

رفیق زندگی سیاسی خود را در سال های ۵۷-۵۶ آغاز کرد و از همان آغاز با پیوندناگسستن میمان تئوری و پراتیک، پیشبرد خلاق امر مبارزه طبقاتی را فراروی خود نهاد. رفیق در همین سالهای دانش آموزی توانست با جنبش دانشجویی پیوندی بد و تجربه اندوز جوان جنبش شود. با آغاز قیام خونین و پر شکوه بهمن ماه، زندگی سیاسی رفیق افقی تازه یافت. بعد از قیام، در جهت پیوندی عمیق تریا نیوی های انقلابی گام های سترک برداشت در متینگ ها و راه پیمانی ها کوشنده ای پر شور و خستگی نا پذیر بود. تبلیغ و ترویج نظرات سازمان - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کانون آتشین حرکت های مبارزاتی اش شد. در جریان افشاکری تبلیغاتی بر ضد انتخابات مجلس خبرگان به دست پاسداران شوستر

دستگیر شد و در روز دربار زدا شتگاه دز فول ماند و با زرد درباری پرتیش جنبش زحمتکشان به حرکت درآمد. سال ۵۸ وارد دانشگاه اهواز شد و در صنف دانشجویان پیشگام با درباری فتی عمیق ترا آرمان سرخ کارگران، در بستن پرورش مبارزات پیش رفت. رفیق همایون در آبان ۵۹، هنگامی که آتش جنگی ارتجاعی میان دولت های ایران و عراق برافروخته شده بود و زندگانی زحمتکشان را در شعله های خود می سوزاند به دست نیروهای "سپاه و بسیج" دیگر بار دستگیر شد و پس از پانزده روز با پیکری که شکنجه های قرون وسطایی نشان داشت در سحرگاه سوم آذرماه پنجاه و نه به جوخه آتش رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی سپرده شد. شوق رهایی کارگران و دیگر زحمتکشان ضربه زندگیش بود و در این راه با انتقاد و انتقاد از خود، کوچکترین اشتباه را نشان نمی کرد و می زد و در تجربه های تازه می اندوخت و در بوته، آزمون مبارزه صیقل می پذیرفت. رفیق همایون هیچگاه از آشنائی با دیگر نظرات درون جنبش رویگردان نبود، با مطالعه تحلیلی های "کار" در مبارزه ایدئولوژی بورژوازی قاطعیتی تازه یافت و با طرح انتقاداتی روشن پرده از رزمنا بیهم آمیز تحلیل های بر می گرفت و در این کار از برخورد های غیر اصولی و بورژواگونه برخی از رفقا پروائی نداشت. بیامان به تبلیغ و ترویج انتقادی پرداخت. انتقادی که چون پتک بر خمیره ناخالص و آرایه دار تحلیل ها فرو می آمد و عینا صریح پرولتری آن را آشکار می کرد. رفیق مسئول دو دبیرستان بود و توانست هواداران را در جریان مبارزه ایدئولوژیک فعال کند و هم از این رو از رفیق سلب مسئولیت شد. رفیق همایون در جریان انشعاب نظرات انقلابی سازمان را سنجید و بسا تکیه بر متون مارکسیستی و طرح انتقاداتی چند، تحلیل سازمان را یگانه راه رهایی زحمتکشان به رهبری پرولتاریا دانست و با شوقی فزاینده بر دامنه فعالیت های انقلابی درس از زمان افزود. رفیق هواداران را برای شناخت نظرات سازمان هدایت کرد، ضرورت مبارزه با پورتونیسم و ریزینیسیم را به هواداران آموخت و بر لزوم مرز بندی قاطع با آن تاکید ورزید و در این راه هیچ کوششی را فرو نگذاشت. با دشواری های سیاسی و تشکیلاتی بطور خستگی نا پذیر در آویخت.

رفیق از همان آغاز جنگ به سازماندهی توده ها پرداخت. ماهیت ارتجاعی جنگ را سرسختانه افشاء کرد، شعار "دفاع از میهن" بورژوازی را برای زحمتکشان با زبانی ساده و روشن شکافت و سوسپال شوونیست ها را بردبارانه زیر ضرب گرفت و شگفت نیست که چهره ای چنین شکوهمند، به جرم دفاع از منافع زحمتکشان و حضور در جبهه های مقاومت در برابر آتش تیرباران رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی با چشمان باز رو در خوان شود و طنین انقلابی صدایش، خاموشی خیاط زندان را در هم شکند:
"ای پرچمدارستمکشان دشمن را در خاک و خون نشان..."

آرم سازمانم را بر روی سنگ قبرم حک کنید

بقیه از صفحه ۱۶

اگر هرگز دنیا مدم گریه نکنید، به همه بگوئید من یک فدائی بودم راه فداییان خلق را دنبال می کردم و رهنمود های راهمواره از سازمان را افتخار چریکهای فدائی خلق می گرفتم. مراد خضر، کنار ما درم به خاک سپارید و آرم سازمانم را بر روی سنگ قبرم حک کنید.

دیگر فکر مبه جانی نمی رسد.

بدیهای مرا ببخشید.

فرزند شما، ها دی ۱۳۵۹/۸/۲۵

رفیق های اشکافی در سال ۱۳۴۸

در آبدان متولد شد. در سال ۵۵

دیپلم گرفت و با وجود تشریفاتی که از مرگ نا بهنگام مادر داشت، لحظه ای

از پای نایستا دو چون موج در جنبش

خلقها یقه هرمانا، ایران علیه رژیم فاشیستی

پهلوی، حرکتی پر شور داشت. رفیق

پیش از آنکه به سربازی اعزام شود،

چندی در بندر خمینی نگهبان کارگاه

شرکت K.C.S. بود در همین مدت کوتاه

در میان کارگران محبوبیت یافت

و توانست در افشاها کمیته برای

کارگران نقشی موثر را بدو از دیدگاه

مارکسیستی - لنینیستی مسائیل

جنبش را به میان کارگران بسوزد.

چهره رفیق در "کانونین" شرکت،

هنگامی که با زرگان در میان کارگران

افشای می کرد بر استی فرا موش نشدنی

است.

رفیق پیش از جنگ ایران و عراق

در بحبوحه سرکوب جنبش انقلابی خلق

کردار هی کردستان شد و در جهت تقویت

جنبش مقاومت خلق کرد کوشید در این

سفر بدست پاسداران دستگیر شد و چهار

روز در زندان رومیه با ندکه بسا

میانچگیری پدرش - پیش نماز مسجد

سنی های خرمشهر آزاد شد.

رفیق پر شور و مردم جوش بود. زبانی

ساده و گیرا داشت و مسائل جنبش را با

زبانی ساده ای برای توده ها بازمی گفت

رفیق چه در سربازی و چه در جبهه

بیشترین نیروی خود را برای آموزش

و تبلیغ در میان سربازان به کار

می گرفت. می گفت سربازان فرزندان

خانواده های زحمتکش اند. وقتی آنها

آگاه شوند هر کدام می توانند یک

خانواده را آگاه کنند!

رفیق در راه تحقق آرمان سرخ

کارگران می کوشید، با جانی که یکبار

آتش مبارزه و عشق به خلق بود. خستگی

نمی شناخت. جیب ها، آستین ها،

ساقه جوراب و بغلها ییش پر از روزنامه

کار، تراکت، بیانیه، و جزوه های

سازمانی بود و در جبهه مقاومت خلق

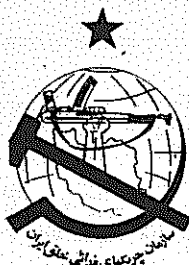
امان نداشت. از سنگری به سنگری

می رفت و شبها می هایش را در جبهه

می پراکنده تا سرانجام که روز بیست و نهم

آبان پنجاه و نه در جزیره "شلجه حاج حسین" ترکش خمپاره پیکر پر شور را

به خون کشید.



جنبش مقاومت خلق کرد و

بخشی
از اعلامیه:

جنگ غیرعادلانه دولت های ایران و عراق

... جنایت های دولت جمهوری اسلامی در کردستان ایران شرایطی را بوجود آورده تا رژیم عراق قدرتی تبلیغاتی خود اینطور وانمود سازد که این رژیم برای نجات! خلق کرد و خلق های ایران است که با دولت ایران می جنگد، این دعای مزورانه و سراپادروغ از طرف رژیم مطرح میشود که هزاران روستای کردستان عراق را با خاک یکسان کرده و صدها هزار نفر از مردم زحمتکش کردستان عراق را آواره شهرهای ایران و عراق نموده و صدها انقلابی کرد و عرب عراق را شهید نموده است. بنا بر این روشن است که ادعای دولت عراق و عوامل مزدورش در کردستان ایران هرگز نمیتواند زحمتکش کردستان ایران را که در پیوند نزدیک با زحمتکش کردستان عراق قرار دارند بفریب دهد و از این مهمتر ارتش ضد خلقی رژیم عراق در حالیکه با بمب ناپالم، موشک های با برد متوسط و بلند، توپخانه سنگین خانسه و کاشانه مردم زحمتکش خوزستان را مورد حمله قرار میدهد، در کردستان نیز شهرها را بمباران میکند، در اوخر مهر هواپیما های عراقی با بمباران شهر سردشت، سی تن را شهید و دهها نفر را زخمی کرده است، همچنین دولت عراق قدر این منطقه به عواملی نظیر اویسی ها، پالیزبا نها، بختیارها و هواداران شان کمک های مالی و تسلیحاتی میکند، کمک هایی که مسلماً علیه خلق زحمتکش کرد و همه خلق های ایران بکار خواهد رفت.

این مسلم است که رژیم ضد خلقی عراق هرگز نمیتواند حامی خلق های ایران و بویژه خلق زحمتکش کرد باشد، ولی این رژیم ارتجاعی بدلیل زیر:
اولاً نمیتواند در چند جنبه وسیع به جنگ بپردازد
ثانیاً بعزت درگیری هایی که در کردستان عراق با نیروهای انقلابی دارد
ثالثاً بعزت اینکه خلق کرد و پیشمرگان قهرمان آن در مقاومت حماسه آفرینشان علیه یورش های وحشیانه دولت جمهوری اسلامی، به تجربیات سیاسی و نظامی مهمی دست یافته اند که این تجربیات را مسلماً و بخوبی میتوانند علیه تجا و زات رژیم عراق بکار گیرند.

نمیتواند به یک تعرض گسترده از مرزهای کردستان ایران دست زند. رژیم بعثی عراق حملات خود را به منطقه کردستان بنحوی تنظیم میکند که تمام آن بخش از ارتش جمهوری اسلامی که برای سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد در این منطقه وجود دارد در همین جایقی بماند تا هم جبهه دولت جمهوری اسلامی در منطقه خوزستان تقویت نشود و هم جنبش مقاومت خلق کرد در حدی رشد نکند که بتواند به نیروی علیه رژیم عراق تبدیل شود و در مجموع مانع همکاری نیروهای انقلابی ایران با نیروهای انقلابی در عراق گردد.

اکنون در برابر نیروهای انقلابی و مترقی و طیفه ای سنگین قرار دارد. بیا یاد از جنبش مقاومت خلق کرد که ستاره تابناک جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران است دفاع نمود و هم در مقابل تجا و زات دولت بعثی عراق به کردستان ایران مقاومت نمود.

بنظر ما هرگونه گرایش خود بخودی و یا آگاهانه ای که بخواهد به تعرض دولت عراق به کردستان ایران کم بهاداده و یا بخواهد از این رژیم ضد خلقی در جهت اهداف جنبش مقاومت استفاده کند عملاً به خدشه دار شدن و سرانجام نابود شدن جنبش مقاومت خلق کرد کمک کرده و هم بوظیفه انقلابی خود که پشتیبانی از انقلابیون عراق است عمل نکرده است و مضافاً اینکه آب با سیاب تبلیغات عوام فریبانه جمهوری اسلامی و اپورتونیست ها که به جنبش مقاومت خیانت کرده اند ریخته است.

بنظر ما بدلیل خود ویژه ای که در این منطقه حاکم است نیروهای انقلابی و ترقیخواه باید بخشی از نیروهای مسلح توده ای شان را برای مقابله با تعرضات رژیم عراق به کردستان ایران تخصیص دهند.
سازمان چریک های فدائی خلق ایران - شاخه کردستان اعلام میدارد که بنا بوظیفه انقلابی و اتترانسپونالیستی خود و بنا بموقعیت موجود در کردستان ایران، در مقابل تعرضات دولت ضد خلقی عراق با تکیه بر نیروهای مسلح توده ای ایستادگی نموده و در این راه با تمام نیروهای انقلابی ایران و نیروهای انقلابی عراق همکاری، هماهنگی و اتحاد عمل خواهد داشت.

خلق قهرمان کرد؛ نیروهای انقلابی!

دولت جمهوری اسلامی با تبلیغات عوام فریبانه خود در صدد این است که مبارزه قهرمانانه خلق رزمنده کرد و تعرض رژیم ضد خلقی عراق را در اذهان توده های زحمتکش سراسر ایران یکسان جلوه دهد.
ما نشان میدهیم هر جا که توده های مردم مسلح، زیر رهبری نیروهای انقلابی باشند در مقابل هر تعرضی که بآنان صورت گیرد ایستادگی خواهند نمود و ادعای دستگاهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی و اپورتونیست های اکثریت کمیته مرکزی "پوچ و بی اساس است. اطمینان داریم با اتکا بقدرت توده های زحمتکش، جنبش مقاومت خلق کرد در این آزمون دشوار رو پر فراز و نشیب موفقیت های بزرگ بدست خواهد آورد و پوزها امپریالیست ها و همه دشمنان خلق های ایران را بخاک خواهد مالید.

زنده باد پیوند مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران و عراق

مستحکم باد پیوند جنبش مقاومت خلق کرد با جنبش سراسری خلق های ایران برهبری طبقه کارگر

نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

سازمان چریک های فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

۱۳۵۹/۸/۹

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلق های ایران هستند.

پتک است خون من ، دردست کارگر داس است خون من ، دردست برزگر

گرامی باد خاطره فدائیان شهیدرفقا:

هادی اشکافی و علیرضا همایون پرنزاده

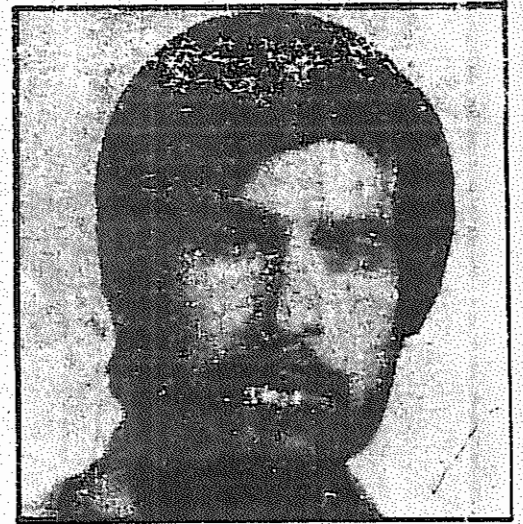
”آرم سازمانم را بر روی سنگ
قبرم حک کنید.“

صبح تیرباران، ناگهان صدای
همایون در حیات زندان پیچید:
”ای پرچمدارستمکشان

دشمن را در خاک و خون نشان“

در سکوت سنگین سحرگاه تیرباران،
زندانیان، رفیق همایون را دیدند:
رفیق همایون در محاصره پاسداران -
دلاورانه گام برمی داشت. سالنخندی
از اراده ای شکست ناپذیر بر تپش
می گرفت. پاسداران رفیق را بردند تا
در حیات زندان به جوخه آتش جناح است
بسیارند.

رفیق هادی اشکافی، مبارز
جستجوگر، پرشور و خستگی ناپذیر بود.
رفیق در جبهه های جنگ ارتجاعی میان
دولت های ایران و عراق در برابر
نیروهای مزدور رژیم ضد مردمی عراق،
دوشا دوش زحمتکشان می جنگید و همزمان،
ماهیت ارتجاعی جنگ و رژیم ضد مردمی
جمهوری اسلامی را برای زحمتکشان فاش
می کرد و بیدینگونه آمرمبارزه را در جهت
منافع زحمتکشان پیش می برد و وفادار
به آرمان سرخ کارگران مبارزه طبقاتی



را در درون جبهه های جنگ نیز عمیق
می بخشید و گسترش می داد.

رفیق در نامه ای کوتاه می نویسد:
”پدر... چند روز پیش یکی از
همرزمان عزیزم را در جبهه خرمشهر
اردست دادم. ضربه بزرگی بود ولی
برای هدف یگانهای که داشتیم این
راه بایستی می شد. من این جنگ
را هیچگاه قبول نداشتم و قبول
نخواهم داشت. تمام فجایع و خرابی
های این جنگ به دوش زحمتکشان
هر دو کشور است. نیروهای هر دو
کشور با بدبه مرزهای خود برگردند.
ما خواهان صلح هستیم...“

بقیه در صفحه ۱۴

● ترور چهارتن از رهبران خلق السالوادور، فاجعه ترور چهار رهبر خلق ترکمن را زنده کرد.

کشتار جناحیتکارانه چهارتن از
رهبران جنبش انقلابی خلق السالوادور
در هشتم آذر، موجی از نفرت و انزجار را
در سراسر جهان برانگیخت. عکس -
العمل داخلی و جهانی این جناحیت
آنچنان وسیع و فوق العاده بود که
مقامات دولتی و ارتشی انتصاب این
جناحیت را بخود "قویا تکذیب کردند"،
آنها این جناحیت را به گروهی تروریستی
بنام "ماکزیمیلیانوهرنا نذر"
یعنی یک "باندسیاه" نسبت دادند تا
با این ترتیب جنجال های خونی خود
را پنهان کنند.

اگر برای مردم جهان کشتار ۴ تن
رهبران خلق السالوادور جلوه ای دیگر
از سیاست سرکوبگرانه و جناحیتکارانه
و در عین حال نمودار استیصال رژیم
دست نشانده السالوادور است اما
برای مردم ایران تداومی کننده کشتار
۴ رهبر خلق ترکمن رفقا توماج، مختوم،
واحدی و جرجانی توسط جمهوری اسلامی
است. شباهت واقعه
آنقدر زیاد است که گوییم حکایت
السالوادور و جمهوری اسلامی از نسخه
واحدی استفاده کرده اند.

به سیر و قایم در رابطه با این
جناحیت نگاه کنیم: ابتدا از دیدن
رهبران جنبش انقلابی، بدنیال آن شکنجه
و اعدام آنان رها کردن اجساد چهار
تن از آنان در بزرگراه های اطراف
پایتخت؛ سپس صدور اعلامیه گروه شبه
نظامی راست گرای ماکزیمیلیانوهرنا
هرنا تدر، و قبول مسئولیت این جناحیت
و آنوقت "رداتهای مات" توسط مقامات
دولتی در مورد قتلها را اعلام اینکه:
"با ورکنید ما هیچگونه دستپداشته -
ایم و از همه مضحک تر اینرا زنگرانی سفیر
ایالات متحده آمریکا در السالوادور از
مرگ رهبران "جیگرا" و بالاخره
انتظار حکومت السالوادور که مردم
همه این صحنه ها زیبا و دورغ پردازها
را با ورکنند!!

اماده ما پیش در ایران چه گذشت؟
۴ تن از رهبران خلق ترکمن توسط
سپاه پاسداران انقلاب دزدیده چند روز
بعد از آن جسد شکنجه شده و اعدام شده شان
در جاده "جنگل گلستان" نزدیک بجنورد
رها میشود، بدنیال آن دولت اعلام
میکند که یک گروه شبه نظامی بنام
"فدائیان خلق ترکمن" مسئولیت
کشتار این رهبران را بعهده گرفته
است، مقامات دولت، سپاه پاسداران

بقیه در صفحه ۶



زمان به سنگینی سرب بر زندان و
زندانی می گذشت... گلوله های جناحیت
اما شلیک نشد!!

رفیق همایون با همان گام و پاهان
لبخند به بندبازگشت، نگاه زندانیان
سرشار از امید و آتش و پرش بود. رفیق
همایون با سادگی شکوهمندیک انقلابی
گفت: "می گویند باید برای تیرباران
منتظر بمانم چون آمبولانس نیامده است
تا بعد از تیرباران مرا ببرند!!".....
زندانیان مبهوت از این رفتار سراسر
جناحیت آمیز مزدوران رژیم جمهوری
اسلامی، با خشمی فروخورده خاموش
ماندند!!

بقیه در صفحه ۱۴

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی